

دارالفنون

کانون ارتباطات میان فرهنگی

گزیده‌های از خطابه‌ی خواجه غلام‌الثقلین در دارالفنون (شعبان ۱۳۲۹ ق)

● به اهتمام لیلا عبدی خجسته*

اشاره

غلام‌الثقلین متفکر و نویسنده مسلمان شیعه ایرانی الاصل هندی است که دغدغه توسعه کشورهای مسلمان را داشت. به همین دلیل این مسأله را در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود در جاهای مختلف بیان می‌کرد در سفری که بعد از مشروطه به ایران داشت در سخنرانی خود در مجلس شورای ملی آن زمان و دارالفنون به طرح این موضوع پرداخته است که به عنوان سندی قابل توجه که دارالفنون را نقطه عطفی برای مشروطه می‌داند مورد تأمل است بدین جهت گزیده‌های از آن تقدیم می‌شود.

معرفی

خواجه غلام‌الثقلین ایرانی الاصل (۱۳۳۳-۱۲۸۹ق / ۱۹۱۵-۱۸۷۲م) در خانواده‌ای سرشناس در شهر «پانی‌پت»^۱ در هندوستان به دنیا آمد. پس از یادگیری قرآن کریم و تعلیمات ابتدایی در پانی‌پت، وارد «مدرسه شاخ انصار» شد و عربی و فارسی را فراگرفت. در سال ۱۸۸۹ در دهلی به مدرسه دولتی^۲ رفت. پس از گرفتن دیپلم در سال ۱۸۸۹ وارد «ام. ای. او کالج» در «علیگر» شد.^۳ از اینجا سعادت دیدار و گفت‌وگو با شخصیت‌هایی چون سر سید احمدخان و شبلی نعمانی^۴ را پیدا نمود.

* دکترای زبان و ادبیات اردو، دانشگاه سند، حیدرآباد، پاکستان، lailaabdikhojaste@gmail.com
۱. از مناطقی شمالی هندوستان که امروزه در ایالتِ هریانا قرار دارد.

2. Government School

۳. سر سید احمدخان (۱۸۱۷-۱۸۹۸) سر سید احمدخان بیداری مسلمان‌های هندوستان را در آموزش می‌دید و تمام هم و غم خود را در این راه به کار برد. تأسیس مدرسه در شهرهای مُرادآباد (۱۸۵۹) و غازی پور (۱۸۶۴)، تأسیس انجمن علمی در شهر علیگر (Scientific Society، ۱۸۶۴) برای ترجمه متون علمی از انگلیسی به اردو. از مهم‌ترین اقدامات آموزشی سر سید احمدخان تأسیس مدرسه العلوم للمسلمین در علیگر (افتتاح: ۲۴ می ۱۸۷۵) بود که بعدها به محمدن اینگلو اورینتال کالج (Muhammadan Anglo Oriental College) تبدیل شد. این کالج رفته رفته به صورت مخفف ام. ای. او کالج (M.A.O College) مشهور شد. در ۱۹۲۵ این کالج به دانشگاه تبدیل شد که امروزه با عنوان دانشگاه اسلامی علیگر (Aligarh Muslim University) می‌شناسیم.
۴. مولوی شبلی نعمانی (۱۲۷۴-۱۳۳۲ ق / ۱۸۵۷-۱۹۱۴ م). از برجسته‌ترین نقادان شبه‌قاره که کتاب بی‌نظیر شعرالعجم (درباره تاریخ ادبیات فارسی) را نوشته است.

در ژوئیه ۱۸۸۹، او مقاله‌ای در حدود ۲۰ صفحه با عنوان «التنظر فی التاریخ» در مجله حسن (حیدرآباد دکن) (جلد دوم شماره ۷) منتشر کرد. این مقاله به حدی مورد پسند قرار گرفت که یک اشرافی جایزه گرفت. در «ام. ای. او کالج» در سال ۱۸۸۸ جایزه سخنرانی هارولد کاکس کمبریج اهدا می‌شد که ویژه دانشجویان سال اول بود.^۱

غلام‌الثقلین در سال ۱۸۹۲ آن را نیز دریافت کرد (فردوسی، ۱۹۹۸: ۲۴۶-۲۴۵).



«در سال ۱۸۹۱ انجمن اخوان الصفا با کوشش‌های مرحوم خواجه غلام‌الثقلین تأسیس شد و توماس آرنولد رئیس آن شد.»^۲ غلام‌الثقلین در سال ۱۸۹۵ مدرک لیسانس حقوق دریافت کرد. در سال ۱۸۹۶ در دولت نظام دکن مشغول به کار شد. ابتدا در دادگاه کار می‌کرد و سپس به عنوان بازرس مدارس کوشش‌های زیادی برای بهبود آموزش و وضعیت معلمان و دانش‌آموزان انجام داد. در سال ۱۹۰۴، ولیعهد منطقه «مالیر کوتلا»^۳ - در ایالت پنجاب - از غلام‌الثقلین خواست که در اوضاع اداری این شهر اصلاحاتی انجام دهد. سرانجام وی در مالیر کوتلا دادستان کل شد. او توانست رشوه و سفارش کردن در پلیس و دادگاه را با سعی بسیار کم کند. اما در جریان کار با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد و ناچار آنجا را ترک کرد.

غلام‌الثقلین در سال ۱۹۰۳ مجله‌ای به نام «عصر جدید»^۴ منتشر کرد. وی برای پیشبرد اهدافش به شهرهای مختلف هندوستان سفر می‌کرد. کتابی نیز با عنوان «مضامین متعلق به اصلاح و ترقی» منتشر کرد که به تعداد زیاد و رایگان بین مردم تقسیم شد. در سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ با قطار به ۲۵ شهر سفر کرد و درباره بانکداری اسلامی، اصلاح جامعه و

۱. ماهنامه حسن را حسن بن عبدالله عماد نواز جنگ در اوت ۱۸۸۸ در حیدرآباد دکن منتشر کرد و به مقاله نویسی‌ها یک اشرافی جایزه می‌داد. عماد نواز جنگ در ۱۰ رجب ۱۳۱۹ به دعوت شاه ایران به تهران سفر کرد و در ۱۰ ذی‌القعدة ۱۳۱۹ در تهران درگذشت. (صابری، ۱۹۶۳: ۵۳۴)

۲. Harold Cox Cambridge Speaking Prize. این جایزه به نام Harold Cox (۱۸۵۹-۱۹۲۶) که دو سال در ام. ای. او کالج ریاضی تدریس می‌کرد، وی عضو لیبرال پارلمان در پرینستون بود.

۳. توماس واکر آرنولد homas Walker Arnold (۱۸۶۴-۱۹۳۰) در انگلستان به دنیا آمد. در ۱۸۸۸ سر سید احمدخان او را به عنوان استاد در کالج ام. ای. او استخدام کرد.

در این مدّت به خواهش سر سید کتاب The Preaching of Islam; a History of the Propagation of the Muslim Faith را نوشت که در ۱۸۹۶ چاپ شد. یکی از دانشجویان آن دوره کالج - مولوی عنایت‌الله دهلوی (۱۸۶۹-۱۹۴۳) - این کتاب را از انگلیسی به اردو ترجمه کرد. در ۱۸۹۸ آرنولد به استخدام آموزش هندوستانی (Indian Education Service) درآمد و به عنوان استاد گورنمنّت کالج (Government College) در لاهور به تدریس مشغول شد. در ۱۹۰۴ از این کالج استعفا داد. پیش از رفتن به لندن، با استادان و کارکنان ام. ای. او کالج دیدار کرد و در ۲۵ فوریه ۱۹۰۴ در تالار استرچی کالج (Stretchy Hall)، الطاف حسین حالی الوداعی نظم در پنج بند برایش سرود: دوست آور پهر دوست ب‌هی سچا، عجب نعمت بے ی‌ها/ فون‌هی سکتا بدل اک دوست کا سارا ج‌ها. حالی، جلد اول، تدوین (۱۹۲۴: ۳۰۷) در برگشت به لندن، به عنوان دستیار کتاب‌خانه‌اندیا آفس (India Office Library) مشغول به کار شد و در دانشگاه لندن (London University) به تدریس عربی پرداخت. در ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۰ مشاور دانشجویان هندوستانی در انگلیس بود. از بنیان‌گذاران مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی در لندن (SOAS) و جزو نخستین ویراستاران دانشنامه اسلام Encyclopedia of Islam، جلد اول: (۱۹۱۳-۱۹۳۸) بود.

۴. مالیر کوتلا- امروزه شهری در استان پنجاب هندوستان.

۵. شماره نخست ماهنامه عصر جدید در ژانویه ۱۹۰۳ در شهر میزت چاپ شد. این مجله با وقفه‌هایی تا ۱۹۱۵ منتشر شد.

اخلاق سخنرانی کرد. در سال ۱۹۰۹ در انتخابات مجلس «صوبه‌جات متّحده آگرا و اود» شرکت کرد. رقیبش خان بهادر آل‌نبی - وکیل رئیس شهر آگرا - بود، اما او پیروز شد. خواجه غلام‌التقلین بیشتر بیمار بود. بر اثر بیماری قلبی مزمن، حالش روز به روز وخیم شد تا این که در ۲۳ شوال ۱۳۳۳ / ۳ سپتامبر ۱۹۱۵ درگذشت. پس از درگذشت او، برادرش - خواجه غلام‌الحسین^۱ - نامه‌ها و مطالب نوشته شده درباره او را به کمک شیخ محمد احسان‌الحق گردآوری کرد. این کتاب را شیخ محمد احسان‌الحق با نام «تعزیت‌نامه» در سال ۱۹۱۶ از چاپخانه عصر جدید در شهر «میرت»^۲ به چاپ رساند.

غلام‌التقلین در یکی از شماره‌های مجله‌اش - عصر جدید - درباره خودش نوشته است:^۳

«بین‌اندیشه‌های من و دیگران در راه اختلافی نیست، در مقصد است. کسی می‌گوید آموزش انگلیسی گسترش یابد، یکی می‌گوید آموزش دین رایج شود، دیگری می‌گوید زبان اردو گسترش پیدا کند و انجمن‌های ترجمه دایر شوند. دیگری فقط می‌خواهد که رسوم خرافاتی در جامعه را اصلاح کند. یکی می‌خواهد فرهنگ غربی بین مسلمانان رایج شود. دیگری به آموزش زنان تأکید دارد. این افراد همه این خوبی‌ها را مقصود بالذات می‌دانند، اما هدف من این است که مسلمانان از نیروی جسمی، عقلی و ثروت خود درست استفاده کنند. نه فقط برای اینکه مانند دیگر ملت‌های دنیا - مثل اروپا، آمریکا یا ژاپن - به پیشرفت مادی دست پیدا کنند. من پیشرفت مادی را فقط یک وسیله برای رشد روحانی و عقلی می‌دانم. فرق بین ایدئولوژی سامی و یونانی اینجاست. ایدئولوژی یونانی پیشرفت مادی و حظ نفس را مقصود بالذات می‌داند و قامت یار را به جای طوبی می‌پسندد:

من و طوبی و تو و قامت یار فکر هر کس به قدر همت اوست

برعکس عقیده اسلامی ما این است:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ^۴.

۱. خواجه غلام‌الحسین (۱۸۶۸-۱۹۳۷) وی از دانشمندان بلندپایه علوم اسلامی در هندوستان بود. از آثار مهم او: اسلام و توحید (به انگلیسی)؛ فلسفه تعلیم (ترجمه Education هربرت اسپنسر (Herbert Spencer) ۱۸۲۰-۱۹۳۰).

۲. میرت امروزه در ایالت اترپردیش در هندوستان قرار دارد.

۳. غلام‌التقلین، خواجه، (۱۹۵۵)، آندهی می‌چراغ، سرفراز پریس، ص ۳۰.

۴. آیه شریفه ۱۴۳، سوره مبارکه بقره: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّن يَنْقَلِبْ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ. ترجمه: و ما همچنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد (تا شما از وی بیاموزید). و (ای پیغمبر) ما قبله‌ای را که بر آن بودی تغییر ندادیم مگر برای اینکه بیازماییم و جدا سازیم گروهی را که از پیغمبر خدا پیروی می‌کنند از آنان که عقبگرد کنند و (به مخالفت او برخیزند)، و این تغییر قبله بسی بزرگ نمود جز در نظر هدایت یافتگان خدا. و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباه نگرداند که خدا به خلق مشفق و مهربان است.

آثار خواجه غلام‌الثقلین

- ◆ در دوران کالج، نقدی به زبان اردو بر مقاله غلامی، نوشته سر سید در ۶۴ صفحه نوشت.^۱ سر سید احمدخان سپس در نهایتِ اعلیٰ ظرفی این نقد را به همراه اصل مقاله به چاپ رساند.
- ◆ Essays and Apothgms. (مقالات و جملات، به زبان انگلیسی): شامل مقالات علمی، فلسفی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به انگلیسی، به‌اضافهٔ سید نقل قول از مشاهیر. برخی از مقالات وی در مجلهٔ Great Thoughts به چاپ رسیده است.
- ◆ سه مقاله به زبان اردو با عنوان‌های: فلسفهٔ حیاتِ عمر خیام؛ حکمایِ سوفسطایی و فلسفه‌اشان؛ مذهب و علم. (احسان‌الحق، ۱۹۱۶: ۶)
- ◆ حیات ابوالفضل - به زبان اردو. دربارهٔ زندگی ابوالفضل علامی (۹۵۷-۱۰۱۱ ق) وزیر شهنشاه اکبر (۹۴۹-۱۰۱۴ ق).
- ◆ مجموعه رسائل حدوث و مادّه: چهار رسالهٔ علمی، فلسفی و منطقی به زبان اردو در جوابِ دهری‌ها، فرقهٔ آریا سماج (در هندوستان) و دیگران که در طول بیست‌وپنج سال در روزنامه‌ها و نشریاتِ هندوستان چاپ می‌شدند. پس از درگذشتِ وی، برادرش - خواجه غلام‌الحسنین - آن‌ها را گردآوری نمود و با ویرایش به چاپ رساند. کتابِ درسی کالج اشاعت اسلام در لاهور بود.
- ◆ آیینۀ قادیان، به زبان اردو، رفاه عام پریس، لاهور، ۱۳۳۹ ق / ۱۹۲۱. پس از درگذشت غلام‌الثقلین کتابش را برادرش - غلام‌الحسنین - ویرایش کرده به چاپ رساند.^۲
- ◆ رسائلِ خمسہ موسوم به حقائقِ شہادت، به زبان اردو.
- ◆ رسول و اخلاقِ اسلام (برای کودکان)، به زبان اردو.^۳
- ◆ همچنین غلام‌الثقلین چهار مقاله به فارسی دربارهٔ پیشرفت ایران در روزنامۀ حبل‌المتین در کلکتہ نوشت.^۴
- ◆ وسائلِ رفاه و ترقیِ ایران (فارسی).
- ◆ مقاله‌ای به انگلیسی نوشت با عنوان: سیاست انگلستان در ایران و پیامدهای آن که در دسامبر ۱۹۱۰ در نشریۀ مُسلم ریویو (چاپ از اله‌آباد) منتشر شد.

۱. مقاله‌های سر سید در نشریۀ تهذیب الاخلاق: غلامی (۱۵ جمادی‌الاول ۱۲۸۸هـ)؛ تبریة الاسلام عن شین الامة و الغلام (۱۲۸۸هـ)؛ آزادی غلام (یکم ربیع الثانی ۱۲۹۴هـ). (هر سه این مقاله در مقالاتِ سر سید، جلدِ چهارم، مولانا محمد اسماعیل پانی پتی، مجلس ترقی ادب، لاهور منتشر شده است)

۲. رضوی جارچوی، ۱۹۲۷: ۲۰۳

۳. سید مرتضی حسین، ۱۳۷۴ ش: ۷۴۱

۴. احسان‌الحق، ۱۹۱۶: ۹



↑ عکس سروق کتاب
ایشان با عنوان:
«مضامین متعلق بہ
اصلاح و ترقی»

◆ دربارهٔ مسئلهٔ اردو [رسم الخط نستعلیق ناگری [رسم الخط هندی] نامهٔ سرگشاده‌ای به انگلیسی به لرد کُرزن^۱ نوشت که کُرزن بسیار از وی تشکر نمود: «Open Letter to Lord Curzon From Ghulam-us-Saqlain»

در روزنامهٔ انگلیسی زبانِ پَنجاب اَبَرور (منتشر شده از شهر لاهور) در ۱۶ می ۱۹۰۰ چاپ شد. نامهٔ دیگری هم در این باره به سَر آنتونی میکدائل نوشت. هر دو نامه در کتاب انگلیسی حامد علی خان منتشر شده است.^۲

◆ راه‌های پیشرفتِ ما - به زبان اردو. در دسامبر ۱۹۱۲، بیست و ششمین جلسهٔ کنفرانسِ آموزشی مسلمانانِ سراسرِ هندوستان در شهر لکنو برگزار شد. خواجه غلام‌الثقلین با عنوان: «هماری ب‌بودی ک‌ے وسائل سخنرانی کرد. متن سخنرانی را سردبیر مجلهٔ البرهان به‌همراه دیباچهٔ مولوی غلام‌الحسنین به‌صورت کتابچه منتشر کرد.

◆ تاریخ مسئلهٔ ربا (به انگلیسی). غلام‌الثقلین در

۱۹۱۳ در شورایِ صوبه‌جاتِ متحدہ دربارهٔ مسئلهٔ سود سخنرانی مفصّلی کرد که در روزنامه‌های اردو و انگلیسی همان وقت چاپ شد. مولانا ابوالکلام آزاد^۳ در مجله‌اش الهلال ضمن تحسین سخنرانی غلام‌الثقلین به بررسی آن پرداخت: «مسئلهٔ سود به تذکرهٔ تحریکِ آنریبلِ خواجه غلام‌الثقلین صاحب، هفته‌نامهٔ مَصوّر الهلال، کلکته، چهارشنبه ۵ رجب ۱۱/۱۳۳۱ ژوئن ۱۹۱۳، جلد ۲، شمارهٔ ۲۳، صفحات: ۵-۱۰».

◆ نامه به مسلمانانِ تحصیل کرده (انگلیسی).

◆ هدفِ زندگیِ طالبِ علم چه باید باشد؟ به زبان اردو. سه سخنرانی ایراد شده در انجمنِ اخوان‌الصفا در مدرسهٔ العلومِ للمُسلمین در علیگر. مطبع‌العلوم، علیگر، ۱۸۹۶.

◆ مضامینِ متعلّق به اصلاح و ترقّی، مطبع ضیایی، شهر میرت، تاریخ چاپ ندارد.

۱. لرد جورج ناتانیل ناکرزن - Lord George Nathaniel Curzon (۱۸۵۹-۱۹۲۵م) کُرزن از ۱۸۹۹م تا ۱۹۰۵م نایب‌السلطنه انگلیس در هندوستان بود.

۲. غلام‌الثقلین در این نامه با دلائل، زبان اردو را زبان رسمی کشور قرار داد. (تنها، ژانویه ۱۹۵۸: ۸۷) / Antony MacDonnell (۱۸۴۴-۱۹۲۵) از افسران ارشد انگلیس در هندوستان.

۳. مولانا ابوالکلام آزاد (۱۸۸۸-۱۹۵۸) از رهبران و اندیشمندان برجستهٔ هندوستان که از ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۸ وزیر فرهنگ و سردبیر هفته‌نامهٔ تأثیرگذار الهلال بود. غبار خاطر مجموعه نامه‌های وی است.

غلام‌الثقلین و ایران

غلام‌الثقلین همواره به ایران می‌اندیشید و اخبار ایران را دنبال می‌کرد. در مجله‌اش عصر جدید، بخشی ویژه کشورهای اسلامی داشت که اخبار ایران را هم می‌نوشت:

● مجله عصر جدید، جلد اول، شماره ۱۱، نوامبر ۱۹۰۳، ص: ۳۷۳.

«کشورهای اسلامی: در ایران با فشارِ علما، وزیرالوزرا استعفا داد و کج‌کلاه شاه دستور داد که هر کس از رعایا شکایتی دارد، به ولیعهد بگوید و به او امر کرده است که همه شکایات باید به شاه منتقل شود».

● مجله عصر جدید، جلد اول، شماره ۱۰، اکتوبر ۱۹۰۳، ص: ۳۲۷.

«کشورهای اسلامی: اوضاع ایران هم نگران‌کننده است. مجتهدان کربلائی معلی وزیران ایرانی را متهم می‌کنند که با روس دست دارند و به اجانب اجازه دخالت در امور سلطنت را می‌دهند. معلوم می‌شود که دولت ایران به دست افرادی اداره می‌شود که نه مردم را می‌توانند خوش حال کنند و نه ارکان سلطنت را استوار نگه‌دارند. نه از عهده اداره امور برمی‌آیند و نه دوراندیش هستند».

غلام‌الثقلین از خوانندگانِ همیشگی «حَبْلِ‌الْمَتین» کلکته بود و در این نشریه مقاله فارسی می‌نوشت. او در تهران در دیدار با ستارخان گفت: «من چندی پیش در جریده حَبْلِ‌الْمَتین پیشنهاد دادم که قشون ملی همه جا آماده باشد و ستارخان را رئیس کنند، چون اثرش بر کشورهای خارجی خیلی خوب خواهد بود.»^۲

همچنین غلام‌الثقلین با مؤیدالاسلام (مدیر حَبْلِ‌الْمَتین کلکته)، یا دیدار می‌کرد یا در مکاتبه بود. در سفرنامه‌اش در چند جا از مؤیدالاسلام نام برده است. او در همان سفرنامه دلیل سفرش را «زیارت عتبات عالیه و خدمت به عالم اسلام» می‌نویسد و در جواب پرسش دوستش می‌گوید: «فکر این سفر را فقط خداوند در دلم انداخته است.»^۳ در دیدار با شخصیت‌های مختلف، عبارت او «خدمت به عالم اسلام» است که روشن می‌شود به معنی اصلاح جامعه مسلمان و پیشرفت مسلمانان است از طریق ترویج علوم جدید؛ اصلاح فرهنگ قومی مسلمان‌ها؛ اصلاح اخلاق و نظم امور؛ اتحاد علمای نجف و کربلا؛ همراه کردن افراد روشن فکر با علمای عتبات.

۱. صاحب امتیاز و مدیر حبل‌المتین سید جلال‌الدین حسینی کاشانی ملقب به مؤیدالاسلام (۱۲۸۰-۱۳۴۴ ق) بود. وی پس از تحصیلات ابتدایی به عراق رفت و درس خارج را در محضر میرزای شیرازی آموخت در بندرعباس با سید جمال‌الدین اسدآبادی آشنا شد. سپس به عمان و از آنجا به هندوستان رفت (۱۳۰۸ ق) در کلکته روزنامه حبل‌المتین را منتشر کرد. حبل‌المتین - روزنامه‌ای که به فارسی ابتدا از کلکته چاپ می‌شد و نقش بسیاری در بیداری فکری ایرانی‌ها داشت. بود. نخستین شماره ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۱۱ ق منتشر شد. آخرین شماره ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۴۹ ق. این نشریه به صورت هفتگی و به فارسی منتشر می‌شد. البته گاهی ضمیمه‌هایی به زبان اردو و بنگالی هم داشت. و به ایران، اروپا، نجف، عثمانی، افغانستان، مصر، چین، برمه، روسیه، ترکستان فرستاده می‌شد. دعوت به قانون و حمایت از مشروطه از اهداف آن بود. این نشریه در دوره فعالیتش ۴۳ بار توقیف و مؤیدالاسلام بارها به زندان افتاد. (خلاصه شده از: دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۲۰، مدخل «حبل‌المتین»).

۲. همان ۲۳

۳. همان ۷



تصویر بخش اول
سخنرانی ایشان در
نخف اشرف که در
مجله استقلال ایران
چاپ شده بود

انجمنی هم زیر نظر علمای ایران دایر شود که در همه جا شعبه داشته باشد. این انجمن در راستای فرهنگ و تعالی اخلاق، مهتیا ساختن کار برای بی کاران و رفع نفاق، کوشا باشد. از همه، خصوصاً شیعیان و عموماً محبتان اهل بیت، از هر خانوار، دو روپیه و هشت آنه (یک تومان) گرفته شود^۱ و از مشهد مقدس تا خانقین، راه آهن ساخته شود. تا آنجایی هم که می شود درآمد این کار را صرف گسترش علوم دینی و اصلاح اخلاق کنند.

۱. آنه، واحد پول در هندوستان قدیم که هر ۱۶ آنه = ۱ روپیه بود.

غلام‌التقلین برای پیاده شدن اهدافش ایران را بهترین نقطه عالم اسلام می‌دانست. هشت‌ماه پیش از سفرش، به ولیعهد^۱ ایران نامه‌ی میسوطی به انگلیسی فرستاده بود. غلام‌التقلین در پایان یکی از مقاله‌هایش در حبل‌المتین می‌نویسد: «موقع ترقی که ایران را حاصل هست، هیچ‌یک از ممالک اسلامی را میسر نیست:

۱. همه یا قریباً همه، متمسک به یک مذهب هستند.

۲. یک زبان دارند.

۳. ملکشان همیشه به استثنای چندی فترات، آزاد بوده است.

۴. خون شهدای ملی برای قایم کردن امر عدالت و مشروطه به اندازه‌ای ریخته شده است که ضامن استقلال حسیت قومی تواند بود.

۵. ایرانیان می‌دانند که زوال و هلاکت دولتشان، همه دول اسلامی را عموماً و مذهب اثناعشریه را بدهتاً به فوریه هلاک خواهد کرد و جز مسیحیان و بابیان متمتع نخواهند شد»^۲.

انتخاب ایران، جدا از دل‌بستگی‌هایی مانند زبان و ادبیات فارسی، این بود که در آن روزها، روشن‌فکران هندوستان موافق مشروطه و تأسیس پارلمان در ایران بودند و برخی در همان هندوستان از مشروطه پشتیبانی هم می‌کردند. «یکی از علمای بزرگ هند در مراسله‌ای به یکی از صاحب‌منصبان انگلیس در هندوستان نوشته است که بعد از انقلاب مشروطه ایران، مسلمانان هند مستعد شده‌اند که نمایندگان خود را به کنگره هند بفرستند»^۳.

سفر به ایران

خواجه غلام‌التقلین از پانی‌پت - زادگاهش - در ۲۰ می ۱۹۱۱ سفر خود را آغاز می‌کند و ۳ ژانویه ۱۹۱۲ به پانی‌پت برمی‌گردد. بلافاصله پس از برگشت به هندوستان یادداشت‌های روزانه‌اش را مرتب و با عنوان «روزنامه‌ی سیاحت» منتشر کرد. این کتاب به زبان اردو، در ۱۷ ذی‌الحجه ۱۳۳۰، مطابق ۲۸ نوامبر ۱۹۱۲، به قلم محمد حسن - خوش‌نویس شهر میرت - کتابت شد و در سال ۱۹۱۲ توسط «شمس‌الانوار» در شهر میرت به چاپ رسید. این سفرنامه در چهار بخش چاپ شده است:

بخش اول: عراق و مکان‌های مقدس عرب.

بخش دوم: مملکت ایران و خصوصاً تهران.

بخش سوم: روس جنوبی، قسطنطنیه، بیروت و دمشق.

۱. ناصرالملک، ابوالقاسم خان قراقرز (۱۲۸۳-۱۳۴۶ ق) در دوره اول مجلس وزیر مالیه، و بعد نایب‌السلطنه.

۲. حبل‌المتین، کلکته، ۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۸/۱۲ دسامبر ۱۹۱۰، سال هیجدهم، شماره ۲۴، ص ۸.

۳. مورگان شوستر، تصحیح: ۱۳۴۴ ش: ۳۰۰.

بخش چهارم: مدینه منوره، بندرگاه‌های ساحلِ شام و مختصری دربارهٔ مصر.

۲۰ می ۱۹۱۱ از زادگاهش پانی‌پت با قطار ابتدا به دهلی و سپس بمبئی می‌رود. در بمبئی از کنسولگری انگلیس ویزای سفر به سراسر ایران و از کنسولگری ترک ویزای سفر به سراسر سرزمین عثمانی را گرفت. ۲۵ می با کشتی به کراچی رفت و در ۲۹ می به مسقط رسید. سپس از راه بوشهر به بصره، عماره، مدائن، بغداد، کاظمین، سامرا، کربلا، نجف و کوفه رفت. از راه معظم-یقوبیه به خانقین رسید. در اینجا برای کرمانشاه بلیت گرفت. ۲۰ ژوئیه از راه قصر شیرین وارد ایران شد. به قم و تهران آمد. وقتی در ایران بود، قصد داشت که برای زیارت امام رضا (علیه‌السلام) به مشهد برود، اما به دلیل شرایط بحرانی آنجا روس اجازه نداد. سپس از راه قزوین، رشت، آستارا وارد باکو و روسیه شد. در ۲۴ سپتامبر از راه اودسا به قسطنطنیه و استانبول رفت. سپس راهی هندوستان شد: بیروت، دمشق، مدینه منوره، حیفاء، قاهره، بمبئی و در ۲ ژانویه ۱۹۱۲ به زادگاهش پانی‌پت برمی‌گردد.



غلام‌التقلین در این سفر با شخصیت‌های مذهبی، سیاسی و روزنامه‌نگاران دیدار و گفت‌وگو داشته است. او در عراق با میرزا محمدتقی شیرازی، شیخ محمد مازندرانی، آخوند خراسانی، ثقة‌الاسلام میرزا عبدالرحیم بادکوبه‌ای و هبه‌الدین^۱، در ایران با مؤتمن‌الملک (رئیس مجلس شورای ملی) و نمایندگان مجلس، ناصرالملک (نایب‌السلطنه ایران)، قوام‌السلطنه (وزیرداخله) و ستارخان^۲، در قسطنطنیه با تقی‌زاده، در بیروت با میرزا محمد باقر، سردبیر نشریهٔ عربی «البلاغ» دیدار کرد.^۳

۲. میرزا محمدتقی شیرازی (۱۲۵۸-۱۳۳۸ق) مرجع تقلید شیعه در عراق / شیخ محمد حائری مازندرانی معروف به ابن‌الشیخ (۱۲۸۲-۱۳۵۰ق) - وی فرزند آیت‌الله زین‌العابدین حائری مازندرانی (۱۲۲۴-۱۳۰۸ق) است. آیت‌الله زین‌العابدین مرجع تقلید شیعه در کربلا بود و دارای مقلدان زیادی از هندوستان بود/ ملا محمد کاظم خراسانی مشهور به آخوند خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق). در کنار شیخ عبدالله مازندرانی (۱۲۵۶-۱۳۳۰ق) و میرزا حسین خلیلی تهرانی (۱۲۳۰-۱۳۲۶ق) سه مرجع تقلیدی بودند که از مشروطه طرفداری می‌کردند/ میرزا عبدالرحیم بلبله‌ای بادکوبه‌ای معروف به ثقة‌الاسلام (۱۸۷۷-۱۹۳۷ق) طرفدار مشروطه که در نجف کتاب‌خانه مرتضوی را تأسیس کرده بود.

۲. مؤتمن‌الملک-حسین پیرنیا ملقب به مؤتمن‌الملک (۱۲۹۲-۱۳۶۵ق) در دوره‌های مختلف مجلس شورای ملی ریاست وزارت خانه‌های: تجارت و گمرکات، وزارت فوائد عامه و تجارت، علوم و معارف را برعهده داشت / احمد قوام (۱۲۹۰-۱۳۷۵ق) معروف به قوام‌السلطنه- فرمان مشروطیت به قلم و انشای او نوشته شد و مظفرالدین شاه امضا کرد. از ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۶ق وزارت عدلیه، مالیه و داخله بود / ستارخان-(۱۲۹۴-۱۳۳۲ق) معروف به سردار ملی. یکی از دو مدافع مشهور تبریز در مدت قشون عظیم محمدعلی شاه قاجار

۳. سید حسن تقی زاده (۱۲۹۵-۱۳۸۹ق) از رهبران مشروطه و از اعضای حزب دموکرات / میرزا محمدباقر؛ سردبیر نشریهٔ البلاغ در بیروت. وی فرزند میرزا باقر بولانانی ابراهیم جان معطر (حدود ۱۲۴۰-۱۳۰۹ق) بود.

مشروطه در ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ / ۵ اوت ۱۹۰۶ به‌امضا رسید و غلام‌التقلین تقریباً پنج سال پس از مشروطه وارد ایران شد. وی ۲۲ رجب ۱۳۲۹ به ایران آمد و ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ ایران را ترک کرد. یعنی وی در زمان دورهٔ دوم مجلس شورای ملی در ایران بود. زمان اقامتش در ایران ۵۴ روز بوده است (۱ روز در کرمانشاهان، ۱ روز در قم، ۵۱ روز در تهران، و ۱ روز در انزلی).^۱

در ۱۰ شعبان/۵ اوت با سردبیر روزنامهٔ مجلس - شیخ محمد یحیی کاشانی^۲ - دیدار کرد و با او دربارهٔ اصلاح جامعهٔ ایران به گفت‌وگو نشست. در ۱۱ شعبان/۶ اوت در قرائت‌خانهٔ خیابانِ ناصریه با مترجم‌نظام^۳ آشنا شد و در منزل او زندگی کرد؛ در ۱۴ شعبان/۹ اوت روزنامهٔ مجلس او را معرفی کرد. شب نیمه‌شعبان در کاخ حضور پیدا کرد. در روزهای بعد با سردبیران روزنامه‌ها، اعضای احزاب، نمایندگان مجلس و مجتهدان دیدار داشت. ۲۲ شعبان/۱۷ اوت به زیارت حضرت عبدالعظیم رفت. ۲۶ شعبان/۲۱ اوت به دیدن ستارخان شتافت و از خدمات شایان او قدردانی کرد. غلام‌التقلین کوشید که به زیارت امام رضا (علیه‌السلام) برود، اما به دلیل حملهٔ روس‌ها به مشهد نتوانست برود. اوضاع ایران در آن دوره نابسامان بود که برگشت محمد علی شاه^۴ مخلوع به ایران (۲۱ رجب ۱۳۲۹ / ۱۹ ژوئیه ۱۹۱۱) و سپس فرار او، و کارشکنی‌های روس و انگلیس برای اخراج مورگان شوستر آمریکایی^۵ از ایران، از جمله دلایل آن بود. غلام‌التقلین در تهران در ۱۴ شعبان در دارالفنون به فارسی با عنوان «ضروریات حالیهٔ ایران» سخنرانی کرد که متن کامل آن در روزنامهٔ مجلس منتشر شد. همچنین وی در مسجدشاه در یکم، دوم، سوم، پنجم، ششم، هشتم و نهم رمضان سخنرانی کرد.

۱. روزنامهٔ سیاحت، ۱۹۱۲: ۴۷۹.

۲. شیخ یحیی کاشانی (۱۲۹۳-۱۳۴۹ ق) سردبیر روزنامهٔ مجلس.

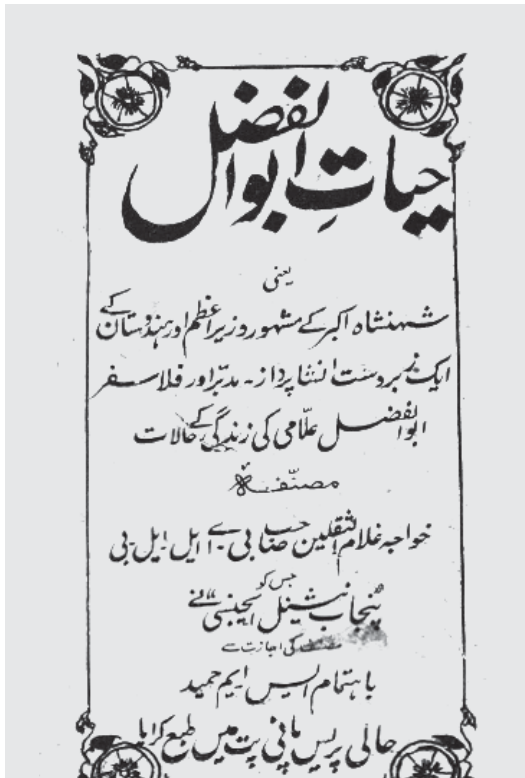
۳. مترجم نظام - سید حسین ملقب به مترجم نظام از مشروطه خواهان همدان بود. وی نوهٔ سید محمود صدیقهٔ الاشراف - از بازگانان معتبر همدان - بود. مترجم نظام اولین دانشجوی اعزامی به آمریکا بود. هفته‌نامهٔ اثر انقلاب به صاحب امتیازی مترجم نظام و مدیریت حاج محمدحسن اصفهانی در ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ق در همدان منتشر شد. محل نشریهٔ اردوی مجاهدان همدان بود که وابسته به کمیتهٔ سوسیال دموکرات همدان بود. همچنین روزنامهٔ جمالیه به یاد سید جمال به صاحب امتیازی مترجم نظام در همدان منتشر می‌شد.

۴. محمدعلی شاه قاجار مخلوع (۱۲۸۹-۱۳۴۲ ق). ششمین شاه قاجار. وی سرسختانه با مشروطه مخالف بود. وی در ۱۲۸۵ ش به تخت نشست. در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۷ ق مجلس شورای ملی را به توپ بست و برخی از آزادی‌خواهان را کشت. این دوره به استبداد صغیر معروف است. وی در ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ق با رأی مجلس شورای ملی از مقام سلطنت خلع شد.

۵. ویلیام مورگان شوستر (William Morgan Shuster، ۱۸۷۷-۱۹۶۰ م) وی به درخواست دولت ایران برای اصلاحات ملی در ۱۹۱۱ م به ایران آمد. اختیارات شوستر شامل جمع‌آوری مالیات و رسیدگی به همهٔ حساب‌های دولت می‌شد. وی به‌عنوان خزانه‌دار کل در ماه می ۱۹۱۱ م شروع به کار کرد، اما روس و انگلیس به شدت مخالفت کردند. در دسامبر ۱۹۱۱ م شوستر خارج شد. اولتیماتوم روس قبول شد. روسیه دو نوبت به ایران اولتیماتوم داد تا شوستر از ایران خارج شود. ۲۵ اکتبر ۱۹۱۱ م و ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ م. شوستر در ۱۹۱۲ م. کتابی با عنوان چاپ کرد:

The Strangling of Persia; A Personal Narrative- Story of the European Diplomacy And Oriental Intrigue That Resulted In The Denationalization of Twelve Million Mohammedans.

این کتاب را در هندوستان ام‌الاعظم پلگرمی به زبان اردو ترجمه کرد با عنوان: فغان ایران؛ یورپین ساز و باز اور مشرقی سازش کی ایک دلچسپ داستان (۱۹۱۳، مطبع اختر، حیدرآباد دکن). در ترجمهٔ اردو ضمیمه‌های شوستر حذف شده‌اند. این کتاب به زبان فارسی برای نخستین بار در ۱۳۳۳ ق/ ۱۹۱۵ به ترجمهٔ ابوالحسن موسوی شوشتری جزایری و با تقریظ مؤیدالاسلام از مطبع خیل المتین در کلکته هندوستان منتشر شد. سپس با تصحیح، مقدمه، حواشی و افزودن اسناد منتشر نشده از سوی فرامرز برزگر و اسماعیل رایین در ۱۳۴۴ ش/ ۱۹۶۵ برای نخستین بار از انتشارات صفی علیشاه در تهران چاپ شد.



↑ تصویر سرورق
«طالب علم کا مقصد
...»، از کتاب‌های
غلام‌التقلین

غلام‌التقلین در سفرنامه‌اش دربارهٔ سخنرانی‌اش در دارالفنون خبر داده است:

روزنامه‌چۀ سیاحت، ص ۱۷۰:

طهران. ۱۲ شعبان ۱۳۲۹ مطابق ۷ اوت ۱۹۱۱ - امروز برای دیدن علاء‌السلطنه وزیر رقتم^۱ و نامه‌ای را که به نام وزارت‌خانهٔ معارف و اوقاف بود، تحویل دادم تا برای سخنرانی اجازه و اتاق بدهند. عمارت تمیز و خوبی بود. مثل خانه‌های دو طبقه، اما به دلیل تعطیلی همه جا خالی بود. پایین عمارت مدرسهٔ بزرگی بود. همه جا به خط درشت نوشته شده بود که «بدون اجازه وارد نشوید و وقت را تلف نکنید». تلفن هم بود. در طرف دیگر، چاپ‌خانهٔ دولتی بود. آقا سید حسین^۲ همراه من بود و به همین دلیل، مردم با من خوش‌برخورد بودند. فقط در یک اتاق باز بود که به اتاق شورا می‌ماند و بالای آن نوشته شده بود: «فلاحت و لسان روسی». در این اتاق، زبان روسی و کشاورزی یاد داده می‌شود. تعلیم در طهران به معنای واقعی، تعلیم کالجی نیست، بلکه باید آن را تعلیم «کالیجیت اسکول»^۳ نامید. البته این تعلیم در ایران بسیار رواج دارد. اینجا، جمعه و دوشنبه، دو تعطیلی رسمی است. وزیر معارف و اوقاف که دفترش در این عمارت است، علاء‌السلطنه است. برای تاج‌گذاری جرج پنجم به لندن رفته است.^۴

روزنامه‌چۀ سیاحت، ص ۱۷۴:

۱۴ شعبان ۱۳۲۹ هجری مطابق ۹ اوت ۱۹۱۱ - امروز سخنرانی‌ام را با عنوان «ضروریاتِ حالیهٔ ایران»^۵ به فارسی آماده کردم. دیروز هم تا حدی نوشته بودم. در «روزنامهٔ ایران نو» که بعد از توقیف دو سه روز است که منتشر می‌شود، این اطلاعیه آمده است که در دارالفنون کنفرانسی با این موضوع برگزار خواهد شد.

۱. علاء‌السلطنه - محمدعلی خان ملقب به علاء‌السلطنه (۱۲۵۴-۱۳۳۷ ق) وی در کابینهٔ سیه‌دار اعظم که - در ربیع الاول ۱۳۲۹ ق معرفی شده بود - وزیر فواید عامه و معارف بود.
۲. منظور مترجم نظام است.
۳. Collegiate School.
۴. تاج‌گذاری پادشاه انگلستان جرج پنجم George Frederick Ernest Albert (۱۸۶۵-۱۹۳۸ م). که از ۷ تا ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ در دهلی برگزار شد.
۵. یعنی: نیازهای فعلی ایران.

روزنامه سیاحت، ص ۲۳۱:

۹ رمضان ۱۳۲۹ مطابق ۳ سپتامبر ۱۹۱۱ - سخنرانی من در دارالفنون که در شماره‌های جداگانه به ترتیب چاپ می‌شود، چاپش هنوز کامل نشده است.

گزیده‌ای از خطابه‌های غلام‌الثقلین در دارالفنون

روزنامه مجلس، سال چهارم، شنبه ۲۴ شعبان‌المعظم ۱۳۲۹ / ۱۸ اوت ۱۹۱۱، ص ۳ و ۴.

ضروریاتِ حالیهٔ ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

أَوْلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ. أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ (آیه ۲۶، سوره سجده).

حضراتِ آقایان عرض می‌شود به خدمتِ شما، بنده هیچ وقت به زبان فارسی در مجمع عامّه نطق نکرده‌ام، الا یک بار در «دارالعلم و الایمان» نجف اشرف^۲ که آن هم ترجمهٔ نطق خود بنده بوده که از زبان هندی ترجمه شده بود و الان این نطق متعلق است به مطالب بس بزرگ که مد نظر است. لہذا به حضرات عرض می‌کنم که بر «مَا قَالَ» نظر فرمایند و بر «کیفِ قَالَ» نظر نکنند. چرا که از ششصد سال قبل که نیاکان بنده از شیراز رفتند به هند، در زبان فارسی خیلی تغییرات و تبدیلات پیدا شده و ما را در مکاتیب و مدارس همان فارسی غریب که در ازمنهٔ سعدی و حافظ مرغوب بود، تعلیم می‌دهند. تقصیر از ما نیست. اشتباه نیست که نطق به مطالب سیاسیہ بحرانِ حالیه بشود، مگر دو لفظ کافی است: عَمَّا لَكُمْ أَعْمَالِكُمْ^۴. نتیجهٔ حالات حسب نیتِ حسنہ یا سیئہ و حسب حسن عمل یا سوء عمل ایشان خواهد شد و در معامله‌ای به یک شعرِ حکیمِ قآنی بس می‌کنم که خیلی مطالب را داراست:

رسم عاشق نیست با یک دل دو دلبر داشتن

یا ز جانان یا ز جان بایست دل برداشتن^۵

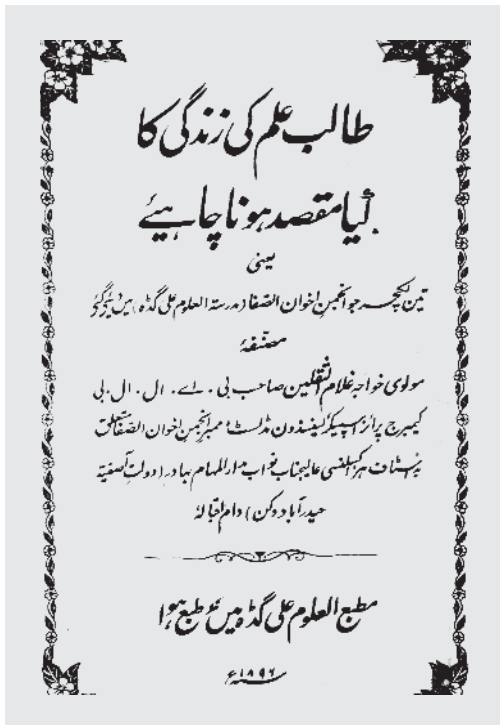
۱. در متن اصلی ۹ رمضان ۱۳۲۹ / اول سپتامبر ۱۹۱۱ نوشته شده است.

۲. متن کامل سخنرانی غلام‌الثقلین در نجف اشرف در تهران چاپ شد: روزنامهٔ استقلال ایران، مطبع خیل‌المتین، تهران، چهارشنبه ۱۴ شعبان ۱۳۲۹ ق، شماره ۵۴، صفحات ۲ و ۳؛ یک شنبه ۱۸ شعبان ۱۳۲۹ ق، شماره ۵۶، صفحات ۱ و ۲.

۳. «هندی» از نام‌های دیگر زبان «اردو» بوده است.

۴. حدیثی از پیامبر اکرم (ص): «عَمَّا لَكُمْ أَعْمَالِكُمْ».

۵. در متن: یا ز جانان یا ز جان بایست دل برداشتن / کار عاشق نیست با یک دل دو دلبر داشتن. (تصحیح شده از: دیوان حکیم قآنی شیرازی، ۱۳۶۳ ش: ۵۶۱) قآنی شیرازی، حکیم، (تصحیح: ۱۳۶۳ ش)، دیوان حکیم قآنی شیرازی، به تصحیح: ناصر هیری، گلشایی، چاپ اول، تهران.



بندہ وعدہ نمی‌کنم یک نطقِ بلیغ خواهم کرد، چرا که هر قدر که مشق دارم، در زبان مادری خود اردو، بعد در انگلیس است، و نه عرض می‌کنم که مطالب جدید به گوش آقایان خواهد رسید که لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر^۱! همان مطالبِ قریب‌الفهم عرض خواهم کرد که به ادنی تأمل اکثر از حضراتِ شما، شاید از بندہ بهتر بیان توان نمود. مگر یک چیز البتہ وعدہ می‌کنم که در هر نطق فراهم است، خواه حضرات باور بفرمایند یا باور نفرمایند؛ مختار هستند. مگر واقعه این است که هر چه عرض می‌شود، به صدقِ نیت و صمیم قلب هست. هیچ مغرض، هیچ خودنمایی، هیچ غرض سیاسی در پنهان یا آشکار نیست، مگر خدمتِ اسلام. وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ^۲.

نطق بندہ که در اعلانات عنوان «ضروریاتِ حالیۀ ایران و وظایف اسلام» دارد، پس از تأمل بندہ، حصۀ ثانویه که دایر بر مطالبِ بزرگ است، برای نطقِ دیگر اگر موقع حاصل بشود، معوق می‌کنم. ضروریاتِ ایران چهار قسم است:

۱. ضروریاتِ دینی؛

۲. ضروریاتِ تمدنی که آن هم به یک معنی ضروریاتِ دینی هستند؛

۳. ضروریاتِ اقتصادی که آن هم جزو ضروریاتِ تمدنی به یک معنی هستند؛

۴. ضروریاتِ سیاسی در معاملاتِ سیاسی ایران.

بندہ آن قدر ماهر نیستم، اگر چه در انگلیس یک رساله چاپ کرده‌ام و در مندرجاتِ حبل‌المتینِ کلکتہ هم نوشتم و از بدو شعور، پالتیک و احوال «پارلمنتِ انگلتر» را به تعمقِ تمام خوانده‌ام و نطق‌های مهمۀ مدبرینِ اروپا از زمانِ ولیم پدول تا عهدِ جورج لاید و از ورناند فیخ و ریسپر خوئی و آنتون انقلابی^۳ تا سیرت و شامتِ دهری. از همه [چیز] در سیر انقلابِ فرانسه به

۱. اشاره به حدیث قدسی: «أَعَدَّدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنَ رَأَتْ وَلَا أُذُنَ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ». برای بندگان نیکم چیزی [بهبشتی] امپا نمودم که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به ذهنی خطور کرده است.
 ۲. آیه شریفه ۸۸ سوره مبارکه هود: قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَيَّ بَيِّنَةً مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْإِضْلَاحَ مَا اسْتَنْطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ: شعب گفت: ای قوم، رأی و نظریه شما چیست؟ آیا اگر مرا از جانب پروردگارم حجت روشن و دلیل قاطع باشد و از خود بر من رزق نیکو رسانده باشد (باز اطاعت او نکنم)؟ و (بدانید که) غرض من در آنچه شما را نهی می‌کنم ضدیت و مخالفت با شما نیست بلکه تا بتوانم تنها مقصودم اصلاح امر شماست و از خدا در هر کار توفیق می‌طلبم و بر او توکل کرده و به درگاه او انابه و بازگشت دارم.
 ۳. David Lloyd George (۱۸۶۳-۱۹۴۵) سیاستمدار انگلیسی / Antoine Pierre Joseph Marie Barnave (۱۷۶۷-۱۷۹۴) از تأثیر گذاران انقلاب فرانسه.

↑ تصویر سرورق
مجله «عصر جدید»
مجله‌ای که
غلام‌التقلین
منتشر می‌کرد

خوبی آگاه هستیم. لکن در باب پنج سطر عقیده خود [را] در سیاسیات ایران عرض می‌نمایم و العاقل یکفیه الاشارة. بنده از اتباع انگلیس هستم و از دولت متمدن و قانون‌دان خودم هم هیچ شکایت ندارم. اگر چه در معامله یادداشت سنه گذشته به سختی اعتراض کردم^۱ و از دولت متبوعه خود در معامله اسلامی هیچ نمی‌ترسم، چرا که ضرر دولت انگلیس نسبت به سایر دول، اقل ضرر است. درباره احرار و متدینین اسلام و نه با روس و آلمان مخالفت دارم. همین قدر عرض می‌کنم که ایرانی را باید که به سواي خدا و صاحب‌العصر، دیگر به هیچ کس از دول مغربی یا مترقی، مطلقاً تکیه نکنند و بر خود و نه در مواقع احتیاج با دیگران مشاوره نماید در حفظ مقام خود به متانت و استقلال به اعتدال و انسانیت راه برود و بس، خود مطلبی عاقلانه و بهترین راه سیاست.

ثانیاً اینکه خودداری و غیرت بکند؛ یعنی قوای عسکریه و حربیه خود را خوب مستحکم بکند که دولت بلاعسکر هیچ اعتبار و احترام ندارد و اگر دولت فعلاً پول ندارد، به جای قرض گرفتن از هر بلد که عددشان زائد بر یک هزار باشد، صد تا پنج که پنج پيسه^۲ باشد لازم بکند که دو مژه در هفته مشق تفنگ‌اندازی و قواعد جنگی بنماید و دولت موقتاً ایشان را سلاح برای مشق بدهد. در هر چند سال ایران به این طور، علاوه بر عساکر نظامی، دارای دویست هزار نفر که دویست فوج دلیران باشد، خواهد شد که سرداران او هم از ملت و لایق اعتبار خواهند بود. اگر حرارت در ملت برای دین و مملکت باشد، به این طور در طهران به بیست هزار نفر ممکن است تهیه نمود و بحمدالله اینک دو سال است که دولت دارای یک مجلس است.

اختلافات حزبی: در معامله احزاب سیاسی عرض می‌کنم که این همه احزاب، به جای خود درست هستند و در حکومت پارلمانی مفید، لکن اختلافشان باید به قدری معتدل و مهذب و متین باشد که عمده اظهارات در مجلس شورای ملی در جراید ملی به طرز احسن باشد و در تمام مسائلی که راجع به فایده عموم ملت یا مملکت باشد، همه شریک بشوند و بر همه احزاب فرض است که سعی بلیغ بفرمایند که معنای مشروطه بر اکثر موکلین خود که جاهل محض هستند، به عبارت سهل بفهمانند ورنه خدا نکند که دو مدعی به هم آویخته مال را دیگری ببرد و نیز هیچ حزب دیگری را منسوب به بی‌دینی یا ملت‌فروشی نکند که این هر دو امر غلط است و سوءظن را در معامله اهل وطن نیز تعقیب نماید. (بقیه دارد)

روزنامه مجلس، سال چهارم، دوشنبه ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۲۹ / ۲۰ اوت ۱۹۱۱، ص ۳.

نطق آقای خواجه غلام‌التقلین در دارالفنون - بقیه از شماره قبل

اخذ زر از اجانب، و آخر الکلام سیاسی این است که پول در معامله ایران یا در پولیتیک

۱. شاید اشاره به این مقاله غلام‌التقلین است که به انگلیسی در دسامبر ۱۹۱۰ در نشریه مسلم رویو (چاپ از اله آباد، هندوستان) منتشر شده بود:

England's Policy in Persia and its Perils, December 1910, The Muslim Reviews, Allahabad, Vol 11, No 6.

۲. واحد پول در هندوستان. صد پیسه = یک روبیه.

عصر جدید

یک باز روی

مقاصد

نگار در سادگی و صمیمیت که خیالات پدیدار از سواد و تکلیف و مروت
ایضاً شواهد علامت‌های شریفین بی‌ساز
ایل ایل بی. وکیل باقی گوشت بر خط
مقام اشاعت گذری شهر بر خط

شماره	جلد	تاریخ انتشار	نویسنده
۱	۱	۱۳۹۳	کامران‌زاده
۲	۲	۱۳۹۳	سلطان احمد صاحب‌باند
۳	۳	۱۳۹۳	ایضاً
۴	۴	۱۳۹۳	تینا
۵	۵	۱۳۹۳	ایضاً

مطبوعه کارخان چاپی مهر پارس در مشهد

از خارجه به سببی خُفیه مستقیم یا غیر مستقیم گرفتن باید که از خوک و سگ نجس‌تر بدانند که چیزی مثل این عادات و فضائل مُلک و ملت پست‌تر و اقدام مُلک را کمتر نمی‌کند. همین محبتِ زر بود که ما مسلمین را در فقر [و] هلاکت انداخت و نگذاشت که برکتِ خلافتِ امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بر سر ما باقی ماند. در لیلۃ‌الهریر^۱ همین زر بود که فتح بین را به شکست مهلک تبدیل داد. نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شُرُورِ اَنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ اَعْمَالِنَا وَ اِخْتِمِ الْكَلَامِ فِي السِّيَاسِيَّاتِ لِاَنَّهُ لَا يُقْضَى الْمَقَامُ تَفْصِيْلَهُ^۲. بنده در بیست و پنج سطر از رویِ شمار چند مقاصدِ اهم در سیاسیات عرض کردم که متعلق به ضروریاتِ عسکریه است که این وظیفه روحانیون و احزابِ ملی و غیرتِ وطنی و بر اطمینانِ برخورد بود. برای یک اجنبی غریب‌الوطن لازم نمود که زیاده از این بگوید مگر مادهٔ اتفاق باهمی. در آخر چیزی عرض خواهم کرد.

ضروریاتِ تمدنی و اقتصادی: حالا بنده بر اصلِ کلام

خود می‌آیم. یعنی ضروریاتِ تمدنی و اقتصادی ضروریاتِ

تمدنی عام است و ضروریاتِ اقتصادی متعلق به مال و دخل و خرج است و این هر دو را بنده ممزوج و مخلوط عرض خواهم کرد. اولاً عرض می‌شود که چون اراده کردم که یک یادداشت متعلق به نطقِ تهیّه بکنم از کلامِ مجید، به طریقِ غیررسمی نقل کردم. آیت در نقل، پیش‌نظر افتاد که معنی لغوی آن آیت حالا عرض می‌شود: «آیا برای ایشان این امره‌ادی نیست که به چه طور ما هلاک کردیم. اقوام را قبل از ایشان که آن‌ها در منزلِ خود مشی و طی قدم به رأفت تمام می‌کردند.»

در این نکته نشانی‌ها هست، آیا ایشان گوش نمی‌دهند؟ این مردم نمی‌بینند که ما در دل‌های زمین خشک آب را حرکت می‌دهیم؟ پس از آن نباتات روینده می‌شوند که خود و حیواناتشان هم از جملهٔ آن نباتات می‌خورند؟ آیا این مردم نمی‌بینند این آیت از تهدید آغاز می‌شود و در آخر یک صورتِ امیدواری پیدا می‌کند؟ حالا باز می‌آییم به ضروریاتِ ایران و اصلاحاتِ ضروریّه.

اولین ضرورت که ایران مخصوصاً و عالم عموماً لاحق می‌شود، حفظِ خود از دشمنانِ طبیعی که جوع و عطش و مرض و ناخوشی است؛ یعنی حفظانِ صحت. قواعدِ حفظانِ

۱. لیلۃ‌الهریر (شب‌روزه‌ها) شبی از شب‌های جنگ صفین که به دلیل درگیری سخت بین سپاهیان حضرت علی علیه‌السلام و معاویه تا صبح، صدای نالهٔ زخمی‌ها به گوش می‌رسید.

۲. ترجمه: پناه می‌بریم به خدا از شر نفس‌هایمان و بدی کردارمان و سخن را در باب سیاست به پایان می‌برم، زیرا مجالِ تفصیل آن در اینجا نیست.

↑ تصویر سرورق
مجله «عصر جدید»،
مجله‌ای که
غلام‌التقلین منتشر
می‌کرد

صحت متعلق به علم ابدان هست و به مفاد آیه مبارکه ^۱ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ، آن علم ابدان جزو علم ادیان هم هست. در بلاد و دهات ایران باید که صائت^۲ از اجرام امراض خیلی بشود. لکن طریق حفظ صحت عموماً ناقص هستند و هر چه زمانه رو به ترقی است، خرج بسیار و توجه بسیار از این امور لازم، بلکه در همه مکاتیب ابتدایی یک رساله اصول حفظ صحت باشد که جبراً به اطفال مجاناً تقسیم شود که مردم محض به نجاسات طهارت ظاهری عمل کرده، در اصل حفظ صحت غفلت بی اندازه به کار می برند. به همین طور حفظ جسم چنان که از دشمنان طبیعی لازم است، از دشمن داخلی انسان هم خیلی لازم، و یعنی از مأكولات و مشروبات که جسم را ضعیف، عقل را پامال، جهل و محکوم هوا و هوس و ملت را ناقابل مدافعه می کند.

تریاک و شراب: از قسم تریاک خوری، تریاک کشیدن، شراب و دیگر مسکرات خوردن ضررهاست که جمله عقلاء ممالک متمدنه کم کم در این مواد مثل سایر دیگر مواد به نقطه اسلام می آیند. این صحیح است که این عادات شراب و تریاک جدید نیست مگر از ترس عام، این نیم علانیه بود. مبدا حالا علانیه بشود و به تقلید اروپا ما شراب و غیره فقهای علنی را حاصل بکنیم و از این امر چشم خود را پپوشانیم که در آنجا شب و روز هیئت‌ها هستند که هزارها شعبه و صدهزارها ارکان دارند در اصلاح این خرابی‌ها، به طوری کار می کنند که ما در حفاظت جسم و جان و وطن خود هم یک عشر از آن زحمت نمی بریم. (بقیه دارد.)

روزنامه مجلس، سال چهارم، دوشنبه ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹ / ۲۲ اوت ۱۹۱۱، ص ۳.

نطق آقایی خواجه غلام‌التقلین در دارالفنون - بقیه از شماره قبل

ایران به فضل الهی از قدیم از محبت اهل بیت راسخ است؛ خواه در زمان سلاطین اسماعیلیه باطنیه خواه در قرن حضرات صوفیا باطنیه یا صوفیه شیعه خواه در قرن اثناعشریه صوفیه. دواماً ایران توسط عترت نبوی را از دست نداده و خصوصاً با سیدالشهداء یک محبت تام و ارادت قلبی ظاهر می کند که نظیرش در تاریخ عالم یافت نمی شود و نخواهد شد. مگرای بزرگان وای برادران، آیا شما می دانید که حسین ابن علی (علیهم السلام) چرا خودش و عیال را و بچگان معصوم را در معرض هلاکت انداخت؟ اسباب روحانی و باطنی که مقاماتشان خیلی دور است، مگر ظاهراً فرق در معاویه - ابن ابی سفیان - و در بین یزید ابن معاویه که صدمات زیاد به امیرالمؤمنین و شیعیانش زده بود، چه بود؟

۱. آیه شریفه ۲ سوره مبارکه بقره: وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: و (از مال خود) در راه خدا انفاق کنید (لیکن نه به حد اسراف)، و خود را به مهلکه و خطر در نیفتانید، و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.
۲. فریادکننده، آوازدهنده.

خواجہ غلام الرشیدی

و من اراد الاخرة وحسبها سعيا وهو صواب قالوا لئن كان معجبه مستكبرا
[و ترجمہ: جو کہ آخرت کے لیے سب سے زیادہ کوشش کرے، اور اس کا ایمان بڑھتا رہتا ہے، وہ معجوبہ مستکبر
انہی کے کوشش والے ہیں، یا مستکبر۔] ۱

ایک مرد درویش

(خواجہ غلام الرشیدی)

”اگر مرگے تو اور کیا ہو سکتے ہیں مگر سچے، بے باک اور سچے دل کے لوگوں سے، ان میں سے وہ لوگ ہیں جن کی
معاہدے سے کسی کے دل میں رنج کی کوئی جگہ نہ رہتی، اور ان کی صحبت سے تم کو خدا کی رحمت سے بہرہ مند کرنے
اور اللہ کی رحمت سے بہرہ مند کرنے کے لیے، اس سے اُن کو ملے گا، خدا ہی جانتے ہیں۔“

(خواجہ غلام الرشیدی، تعلیم، تہذیب و تمدن، ص ۱۰۰)

دنیا میں ہر چیز کی قیمت لگانا یا نہ لگانا، یہ سبھی مہذب، شہرہ لگاؤ کی ہی مشق ہے، اور ان کی صحبت سے تم کو خدا کی رحمت سے بہرہ مند کرنے
اور اللہ کی رحمت سے بہرہ مند کرنے کے لیے، اس سے اُن کو ملے گا، خدا ہی جانتے ہیں۔“

اگر آپ کو یہ معلوم ہو کہ دنیا میں ہر چیز کی قیمت لگانا یا نہ لگانا، یہ سبھی مہذب، شہرہ لگاؤ کی ہی مشق ہے، اور ان کی صحبت سے تم کو خدا کی رحمت سے بہرہ مند کرنے
اور اللہ کی رحمت سے بہرہ مند کرنے کے لیے، اس سے اُن کو ملے گا، خدا ہی جانتے ہیں۔“

اگر آپ کو یہ معلوم ہو کہ دنیا میں ہر چیز کی قیمت لگانا یا نہ لگانا، یہ سبھی مہذب، شہرہ لگاؤ کی ہی مشق ہے، اور ان کی صحبت سے تم کو خدا کی رحمت سے بہرہ مند کرنے
اور اللہ کی رحمت سے بہرہ مند کرنے کے لیے، اس سے اُن کو ملے گا، خدا ہی جانتے ہیں۔“

معاویہ با آن همه خرابی‌ها به ظاهر تارک الشّراب بود، فسق و فجور علنی از قسمِ عبّاشی نمی‌کرد و آن موزج او برای مسلمین یک طوقِ لعنتِ بدبینی پیدا نمی‌کرد. برخلاف او، یزید ابن معاویہ شراب را که اُمّ الخبائث است و رسالت‌مآب از آن قدغن بلیغ فرموده‌اند، در مجالس می‌خورد - چنان که گوید: انا المسموم ما عدی بتریاق ولا راق/ ادر کاساً و ناولها ألا یا ایها الساقی! پس آیا این همه فداکاری‌هایِ خامسِ آلِ عبا - این خونِ علی ابن الحسن و عبّاس ابن علی و دیگر جوانان و شهدای بنی‌هاشم که ریخته شده است، برایِ همین بود که ما خود را فریب داده ادعایِ محبتِ ایشان بکنیم و از اعمال و افعال که نزد ایشان مکروه‌ترینِ اعمال و افعال بوده، مسامحه و تقلید این اکلّة الاکباد بکنیم؟ نعوذ بالله من شرور أنفسنا. شراب که عقل را خراب و معده را بی‌کار می‌کند، و تریاک که خوردن و کشیدن هر دو جسم و عقل و قوّت را می‌کاهد و ملت را هرگز با وجود او یارایی نیست که با دشمنانِ خارجی و داخلی خود طرف شود، یا خود را به اصولِ صحیحِ یک ملتِ اسلامی و متمسک به ثقلین بگوید. بیایید که باز این هر دو بلیّاتِ خانه‌سوز را بگذاریم. اقلّاً یک هیئتِ مستحکم هر جا به پا کنید که زودتر اثر و قوّتش از خاکِ ایران زائل شود، ورنه من هم این فقره را اعاده خواهم کرد که چند روز قبل از جانبِ آقایانِ کرامِ نجف شایع شده بود - عَلَی الْاِسْلَامِ، اَلْسَلَامُ.^۲

↑ تصویر سرورق
«ایک مرد درویش»
کتابی کہ فرزند
ارشاد او درباره
پدرش نوشت.

میںپندار سعدی کہ راہِ صفا
توان رفت جز در پی مصطفی

بندہ می‌دانم کہ مجلسِ شوراِ ملیّ شیدالله آرکانہ و وَقَفَهُ اللهُ بِالتّیّاتِ الحسنۃ بر تریاک
مداخلِ زیاد کردند و بہ شراب ہم محاصل مقرر. و این هر دو بہ غرضِ جلوگیری از این
خرابی‌ها بود، لکن من خود در راہ، مردمِ جاہل را شنیدم کہ می‌گفتند مردمِ تریاک‌کشی را
نخواهند گذاشت کہ خواهند مُرد و این اصلاح را یک ظلم بر ملت تعبیر می‌کردند و شاید
اداره‌جات تریاک را در بعضی مقام‌ها ہم سوختند. لہذا محض اقدام جبری کافی نیست. از
وَعَاظ و نَطَاقین وعظ و نصیحت و مضارِ مُسکرات ہم باید کہ حالی بشود و اطفال را از این
خرابی‌ها باید کہ بہ کلتی اجتناب کنیم.

۱. ترجمہ: من مسمومم و تریاک و پادزہری ندارم جام را بگردان و بہ دستم بدہای ساقی.
۲. ہند (درگذشت: سال ۱۴ ہجری) دخترِ عتبہ و ہمسر ابوسفیان بود. در جنگِ احد وقتی حضرت حمزہ عموی پیامبر اکرم ص
بہ شہادت رسید، ہند جگر او را بہ دندان گرفت و پیامبر اکرم ص او را اکلّة الأکباد (زن جگرخوار) خواند.
۳. سخن امام حسین علیہ السلام کہ در جواب مروان بن حکم فرمود: «إِنَّا لِلّٰہِ وَإِنَّا إِلَیْہِ رَاجِعُونَ وَعَلَی الْاِسْلَامِ السَّلَامُ اِذْ قَدْ لَبِیْتَ اَلْاُمّةَ
براع مثل یزید» (موسوعۃ کلمات الإمام الحسین علیہ السلام، ۱۴۱۵ ق: ۲۸۵) یعنی: اگر امت اسلامی بہ سرپرستی مثل یزید
مبتلا شود با اسلام باید وداع کرد.

جیکاره:^۱ تا حال بنده در ماده شراب و تریاک من جمله ماکولات و مشروبات سخن گفتم که یک مجمع عقلا و مسلمین را در آن غالباً هیچ اختلاف نخواهد شد. حالا بنده سخن از اسراف دیگر می‌کنم و آن تنباکو کشیدن است. این تنباکو در زمان کامبیز اول در انگلستان و اکبر اعظم در هندوستان و شاه عباسی ماضی صفوی در ایران، اولاً از ینگه دنیا ما بعد از اروپا آمده و حالا بنده در عراق عرب و ایران این را بر عادات و اذهان مردم این قدر غالب دیده‌ام که در هند حتی بمبئی از نصف هم کمتر است. تنباکو کشیدن طبیباً هیچ فایده نمی‌دهد و اگر فرضاً مفید هم باشد، ضرر او از منافعش به ده برابر افزون است. بنده از روی حساب در نجف اشرف ثابت کرده بودم که اندازهٔ چهل هزار تومان سالانه محض طلب دینی نجف اشرف که عدهٔ ایشان بالغ به پنج هزار است، خرج می‌کنند.

حالا می‌آیم به حالت ایران. عدهٔ نفوس ایران یک مسئلهٔ مختلف فیه است. لکن به اندازهٔ بنده، نفوس حضرات اهل ایران کم از بیست میلیون یا چهل کرور نیست. بعضی مردم شاید از سیگار یا قلیان محرز باشند. همین طور که بعضی از آن‌ها می‌کشند. اطفال کم از ده سال را هم بنده مجزاً می‌کنم. لهذا از نصف احصاء ایران که ده میلیون است، یک دهم اطفال تا ده ساله را کم می‌کنم - نه میلیون باقی است - خرج تنباکو و جیکاره و غیره هر یک نفر اقلّاً و اوسطاً دو صد دینار روز و شب می‌کند. بنده دیدم در دهات کوچک آکراد هم دکاکین بزرگ برای فروش سیگار موجود بود. به هر حال یک میلیون و هشت صد هزار قران یومیّه در ایران تنباکو دود می‌شود که با همان پنج میلیون و چهار صد هزار تومان می‌شود، یک میلیون و دویست هزار تومان را احتیاطاً کم کردم. خرج ماهیانهٔ ایران در تنباکوکشی اقلّاً از روی حساب کم از چهار میلیون و دویست هزار تومان نمی‌شود که به عبارت آخری از پنجاه میلیون تومان سالیانه هست. مردم شکایت‌ها می‌کنند که ملت و دولت پول ندارد، مگر آخر این پنجاه میلیون تومان از کجا می‌آید؟ پنجاه میلیون چیست؟ این از مداخل دولت ایران خیلی زیاد است. به طرز دیگر به خدمت حضرات شما حالی می‌کنم: اگر این قدر سرمایه مثلاً در بانک باشد، عایدات او نیم میلیون تومان، یعنی پنجاه لک^۲ قران سالیانه می‌شود که معاش یک ربع میلیون مردم است. یعنی محض از عایدات که به گذشتن سیگار و تنباکو حاصل می‌شود، دویست و پنجاه هزار مردم گرسنه همیشه سیر می‌توان شد. (بقیه دارد).

روزنامهٔ مجلس، سال چهارم، دوشنبه ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹/۲۲ اوت ۱۹۱۱، ص ۳.

نطق آقای خواجه غلام التقلین در دارالفنون - بقیه از شمارهٔ قبل

دیگر ملاحظه بفرمایید، یک صد هزار تومان برای شمنوفر (راه‌آهن) که به اندازهٔ یک

۱. سیگار.

۲. یک لک = صد هزار.

نمبر	مضامین	صفحات
فهرست مضامین «تعزیت نامه سوم به بزرگان»		
مقدمه تعزیت نامه		
[صفحات ۱۱] لغایت [۸]		
باب اول + مضامین پنجم		
[صفحات ۲] لغایت [۳۳]		
۲	آرزوی غلام غلام افشاری کی دنگل درونی که علامه سید و مظهر احمدی تهرانی در (۱۳۰۰)...	۲
۱۱	سیری کیم یادگار شیرازی در مورد غلام افشاری مردم که سلفی و از سید عالم کاتب لاهی...	۱۱
۳۱	مردم غلام افشاری که از غلام افشاری شیرازی (از کتاب «مردم از سید عالم کاتب لاهی...»)	۳۱
۳۳	خواجه غلام افشاری مردم کاتبی و شافعی زنگی (از تالیف «مردم از سید عالم کاتب لاهی...»)	۳۳
۲۵	آرزوی غلام افشاری که از سید عالم کاتب لاهی در (۱۳۰۰)...	۲۵
۳۳	آرزوی غلام افشاری که از سید عالم کاتب لاهی در (۱۳۰۰)...	۳۳
۳۴	آرزوی غلام افشاری که از سید عالم کاتب لاهی در (۱۳۰۰)...	۳۴
باب دوم + مضامین اختیاری		
[صفحات ۳۵] لغایت [۴۳]		
۳۵	آرزوی غلام افشاری که از سید عالم کاتب لاهی در (۱۳۰۰)...	۳۵
۳۵	آرزوی غلام افشاری که از سید عالم کاتب لاهی در (۱۳۰۰)...	۳۵
۳۹	آرزوی غلام افشاری که از سید عالم کاتب لاهی در (۱۳۰۰)...	۳۹
۴۳	آرزوی غلام افشاری که از سید عالم کاتب لاهی در (۱۳۰۰)...	۴۳
۳۸	آرزوی غلام افشاری که از سید عالم کاتب لاهی در (۱۳۰۰)...	۳۸
۵۰	آرزوی غلام افشاری که از سید عالم کاتب لاهی در (۱۳۰۰)...	۵۰

فرسخ باشد، کافی است. برای پانصد فرسخ این پنجاه میلیون تومان کافی است و اگر خرج استاسیون^۱ یعنی منازل و پل ها را هم اضافه کنیم، اقلأ سیصد فرسخ راه آهن مع سامان تیار می شود. گویا یک شمنوفر، مشهد مقدس تا خانقین مع حيله سامان ضروری می باشد. یعنی ملت ایران اگر خرج تنباکو یک سال به یک هیئت یا دولت بدهند، هر سال یک راه آهن بزرگ می توان ساخت. در حساب بنده هیچ غلط فاحش قیمت نمی گویم که همه مردم این عادت را به زودی ترک توان کرد، لکن اگر خواص و متمدین و علما و آقایان و تجار و دردمندان دین و ملت آغاز بکنند و این عادت خود را ترک کرده، مردم را هدایت بکنند، تعجب ندارم که در عرض دو سه سال، تنباکو کش در ایران وضع حالیه را گذاشته، خلاف مروت بشود. یعنی از عادت مطروح، میلیون منافع آن وقت اقلأ بیست و پنج تومان و شبه نیست که تنباکو در اسلام داخل حرام و مکروه است. و *إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَأَنَّهُمْ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ*^۲. و دیگر آیات برای ما کافی است و ضرر اقتصادی و مضاربطی را هیچ کس انکار نتوان کرد.

بنده از وزارت معارف و صاحبان مکاتب هم استعدا می کنم که اطفال را در مکاتب و مدارس از این اسراف منع بفرمایند. بنده خود واقف هستم که درین سفر مختصر چند نفر عادت سیگار کلاً و یا اکثر ترک نمودند. (بقیه دارد.)

روزنامه مجلس، سال پنجم، شنبه غره رمضان المبارک ۱۳۲۹ / ۲۴ اوت ۱۹۱۱، ص ۱.

نطق آقاي خواجه غلام التقلین در دارالفنون - بقیه از شماره قبل

تعیش مفرط: هر چیز جایز و مباح به افراط ممنوع و خراب می شود. همین طور تعیش مفرط است که قوایشان را خراب، عقل را ضعیف و احصای ملک را اقلأ در احصا اضافه نمی شود. از ملاحظه احوال قرانه و قدری از ایران این نکته حاصل می شود: مردم که پولدار هستند یا متمسک و مقلد مردمان با ثروت که دولت ایشان بلا مشقت حاصل می شود،

۱. station (ایستگاه)

۲. آیه شریفه ۲۷ سوره مبارکه اسرا: *إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَأَنَّهُمْ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا*: همانا مبدران و مسرفان برادران شیطان هابند، و شیطان است که سخت کفران (نعمت) پروردگار خود کرد/ آیه شریفه ۳۱ سوره مبارکه اعراف: *يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ*: ای فرزندان آدم، زیورهای خود را در مقام هر عبادت به خود برگزید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید، که خدا مسرفان را دوست نمی دارد.

↑ تصویر سرورق
«تعزیت نامه» کتابی
که تمام تسلیت
نامه های درگذشت
او جمع شده است.

برای تفریح خود همیشه تلاش می‌باشند و باعث کم‌فهمی و کم‌علمی و تربیت و مجالستِ خراب در تعیشِ مُفرط داخل می‌شود. کافی است برای حضرات عرض نمودن که هر افراط یا بی‌اعتدالی اگر چه در امور حقیر باشد، مثلاً عبادتِ مستحب که مردم را از کارهای ضروری و وظایف خودشان مانع شود، این هم نداشت. یا مثلاً اگر کسی اطفال و عیال خود را گرسنه گذارد و کاسی نکند و همه روزه در نماز و اوراد مشغول باشد، یقیناً عندالله مسئول است. همین طور طُرقِ توالد و تناسل که خلاق عالم به حکمتِ مقتضیه خود مقرر کرده است، باید که در آن تعیشِ راهِ اعتدال را مردم نگاه دارند. ورنه دولت‌ها و سلطنت‌های بزرگ از آدم‌های قدیم - از ایرانِ قدیم- از عباسیه، از فعلیه هند، از خاندانِ شاهی سرزمینِ اُود و غیره، در هر جا از کثرتِ عیاشی که مورثِ غفلت و بی‌خیالی و تمثیلی می‌شود، در دنبال او فواحش بزرگ پیدا می‌شوند، خراب و پامال شدند و اقوام و ایلات تازه که چنان در تعیشِ جسم و عقل خود را خراب نکرده بودند، جای ایشان می‌گیرند. این تمدنِ انحطاطی لیوانت (شام و شامات) و یونانِ موجوده و جنوبِ خیلیِ مخربِ اخلاق است و بدترین نمونه تمدنِ اروپاست. به خدمتِ حضرات عرض می‌شود که سعی بلیغ بفرمایند که این ایرانِ عصبیتِ اسلامی و ملکی را در پی فواحش از دست ندهد. پس همه اصلاحات و ترقی نتیجه معکوس برای تمدن خواهد بخشید.

در ضمن این تعیش، بنده خرابی جزوی را هم ذکر می‌کنم که در عوام این ملت خیلی شایع است؛ یعنی فحش‌گویی. در هند هم خیلی هست، لکن اینجا هم کم نیست. فحشِ غلیظ مردم از صبح تا شام می‌دهند و اطفال هم عادت می‌گیرند. یکی از وظایف رؤسای معارف و ناظران مکاتیب و وعاظِ ملت این هست که مردم خصوصاً اطفال را از دشنام دادن، قَسَم دادن و سیگار کشیدن احتراز کنند. به ظاهر این فحاشی یک چیز خفیفی است، مگر خبر می‌دهد که دماغ از کثافات پُر است و از اسلامیّت دور است.

فواحشِ مُنکره: حالا بنده را خیلی اذیت می‌شود، از بیان بعضی عادت‌های بد که کم و پیش در جمله ممالکِ اسلامیّه جاری است. لکن این مُلکِ محبوبِ اسلامی است. احتیاج به تفصیل نیست. همین قدر گفتن کافی است که اگر نبود، آیه مبارکه در کلامِ مجید وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ^۱ (بقره دارد).

روزنامه مجلس، سال پنجم، یکشنبه ۲ رمضان المبارک ۱۳۲۹ / ۲۵ اوت ۱۹۱۱، ص ۳.

نطقِ آقایِ خواجه غلام‌الثقلین در دارالفنون - بقیه از شماره قبل

۱. آیه شریفه ۱۰۷ سوره مبارکه انبیاء: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ (ای رسول) ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی.
آیه شریفه ۲۳ سوره مبارکه انفال: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ: ولی خدا تا تو (پیغمبر رحمت) در میان آنها هستی آنان را عذاب نخواهد کرد و نیز مادامی که به درگاه خدا توبه و استغفار کنند باز خدا آنها را عذاب نکند.

اسراف و تقلید مفرط اروپا: بنده به خدمت حضرات سخن از تریاک و شراب و تنباکو و تعییش مفرط و فواحش منکر ذکر کردم. این همه یک نهج شعبه‌های اسراف هستند در اسلام و عقل همه طور ممنوع است. بنده متعلق به آن در لایحه خود «اصول ترقی اقوام و ملل»^۱ چیزی نوشته‌ام، از اثرات امانت خداوندی است برای خرج، مگر خرج نه تحت قواعد هوا و هوس بلکه بدین غرض که طعام ساده بخوریم، لباس ساده بپوشیم، اولاد و اقارب خویش را تعلیم و تربیت بکنیم و به اعتدال در سامان آسایش و آرایش خود هم صرف بکنیم. نه اینکه دو ثلث مداخل خود را در سامان آرایش و تعییش خرج بدهیم.

آیا این صحیح نیست که مسلمانان عالم عموماً وظیفه‌أمرأ و مسلمانان متمدنین خصوصاً هم در لباس و هم در امکانه و اشربه هم در زینت خانه از اندازه و حیثیت خود زیاده به خرج می‌دهند؟ حتی اگر بگوییم که هشتاد نفر بلکه نود، خرجشان از دخل بیشتر است، صحیح است. نه برای تجارت و زراعت و کارخانه‌ها اساس کردن، بلکه برای اخراجات رسمی پول قرض می‌گیریم. در اکثر جاها همین اسراف‌ها و غفلت از عاقبت‌اندیشی ما را به این درجه رسانیده است که اولاد شاهان و اکابر علما و صنادیدی عرب و عجم گدایی یا دزدی اختیار کرده‌اند یا به عیاری شکم پُر می‌کنند و کار به جایی رسیده است که از اولاد افضل البشر بودن هم به جای اینکه مایه کسب فضائل را کنند، عمده حيله برای تنبلی و گدایی شده است. (بقیه دارد.)

روزنامه مجلس، سال پنجم، دوشنبه ۳ رمضان المبارک ۱۳۲۹ / ۲۶ اوت ۱۹۱۱، ص ۳.

نطقی آقای خواجه غلام الثقلین در دارالفنون - بقیه از شماره گذشته

یکی دیگر از خرابی‌هایی که تقریباً بیست سال که در ایران و سی سال است در هندوستان وارد شده، تقلید اسرافات اروپایی است که بر اخراجات آسیایی و مخارجات آبابی اهل این خاک اضافه شده است. در اروپا هم شک نیست که در اکثر طبقات خیلی اسراف است. اگر به دقت ملاحظه فرمایند که ایشان چقدر پولدار هستند که در یک شهر اشخاص متعدّد هستند که معادل مخارج پنج سال تمام دولت ایران و عساکر و صاحب‌منصبان و وزرا و شاه را به آسانی از جیب خود می‌دهند. چقدر کارخانجات دارند و چند برابر ثروت وزرای ایران در بانک‌ها پول دارند، ولی به خرج آن‌ها هر کاره ملاحظه شود، معلوم می‌شود خرج آن‌ها چقدر کمتر است.

ثانیاً ملاحظه فرمایید که ایشان عموماً از تعلیمات مسیح ابن مریم (علی نبینا و

۱. مقاله فارسی غلام الثقلین با عنوان: اصول ترقی اقوام و ملل که در ۲۱ جمادی الثانی / ۱۹ ژوئن در نجف اشرف برای هیئة الدین شهرستانی - (۱۳۰۱-۱۳۸۶ ق) خواند؛ در ۲۴ جمادی الثانی / ۲۲ ژوئن در محضر میرزا علی آقا شیرازی (۱۲۷۸-۱۳۵۵ ق) فرزند میرزای شیرازی - صاحب فتوای تنباکو خواند؛ در ۲۹ جمادی الثانی / ۲۷ ژوئن در کربلا برای شیخ حسین مازندرانی، فرزند آیت‌الله زین‌العابدین مازندرانی خواند؛ در ۷ رجب / ۴ ژوئیه در نجف اشرف به میرزا مهدی آیت‌الله‌زاده خراسانی (۱۲۹۲-۱۳۶۲ ق) - فرزند آخوند خراسانی - تقدیم کرد.

علیه السلام) بر کنار و مقلد نظام پلٹیک (یونان) و ایکپورس هستند که لذات حیات این عالم را مقصد و منشأ خود قرار داده‌اند و به آخرت، ایمان ایشان خیلی ضعیف است که می‌توان گفت که اکثر از ایشان یا اباضیه^۱ هستند یا ملحدین. هر عمل و از همین قبیل است پول‌های فاحشه‌خانه‌ها و فسق‌خانه‌ها و قمارخانه‌ها که وافر دارند. ما که متمسک به نظامی دیگر و دین نبوی هستیم و اصول عمل ما در تحت اصول اعتدال و عدل است و برای ما فرمان واجب‌الادعان خداوندی و آیه «خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۲ آیا مردم گمان کرده‌اند که به لسان خود می‌گویند که ما ایمان آورده‌ایم و ایشان را آزمایش نخواهد بود. خداوند آفریده است موت و زندگانی را تا شما را آزمایش بکنند که بهتر در عمل کیست. برای ما که هرگز قائل به عقیده کفار نیستیم. (بقیه دارد).

روزنامه مجلس، سال پنجم، چهارشنبه ۵ رمضان المبارک ۱۳۲۹/۲۸ اوت ۱۹۱۱، ص ۳.

نطق آقای خواجه غلام الثقلین در دارالفنون - بقیه از شماره قبل

... مسیح ابن مریم به چه جهت مصلوب شد و همه گناهان مؤمنین را برد. ما که بر و لا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^۳ به هر یک کسی بار دیگری را نمی‌گذارند، یقین می‌کنیم، برای ما چطور این اسرافات و معائب اروپا جائز و متحسن است. بنده نمی‌گویم که لباس خوب نباشد، نظافت نباشد، مکان‌های صاف نباشد، لکن از ضرورات نظافت و حفظی صحت زائد کردن و آن تقلید عادات اروپایی یا انحطاط و تقلید معائب فرومیای خود یوما فیوما می‌شود، یک کاری است بس عجیب.

صرف دولت: معروضه بنده این است اول خود در قماشیات اقلان نصف بکنیم و هر چه کفایت شود برای تعلیم و تربیت اطفال بگذاریم. همین جور اخراجات نمایشی در رسوم هم کاسته نصفش به امداد عجزه که دست سؤال دراز می‌کند، خرج بکنیم و بهترین مصرف دولت این است که بعد از خرج به ضروریات به اعتدال و میانه‌روی حوائج انسانی را متکفل باشد، به واسطه این خرج یک تحریک سعی و محبت و کار در مردم پیدا کنیم. غیرت در ایشان پیدا کنیم. علم نشر کنیم. پس باید که بدین طریق دولت به صرف دهیم که اقوام

۱. اباضیه (اباضیه) - فرقه‌ای از خوارج منسوب به عبدالله بن اباض تمیمی و از کهن‌ترین فرقی پیدا شده در بین مسلمانان. گروه‌هایی از آنها در عُمان، زنگبار و شمال آفریقا سکونت دارند. اعتقادات آنها: مشرک کسی است که خدا را دروغ پندارد یا وجهی از وجوه توحید را انکار کند یا حلال منصوصی را حرام یا حرام منصوصی را حلال بشمارد؛ مرتکبین گناهان کبیره مؤمن نیستند؛ هر چه خداوند بر بندگانش فرض کرده جزء ایمان است؛ اسناد هیچ اسم و صفتی به خدا بدون اذن شارع جایز نیست، همچنین درباره قرآن و معجزه، افعال انسان، معاد، وقایع آخرالزمان (خلاصه شده از: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، مدخل: «اباضیه») ۲. آیه شریفه ۲ سوره مبارکه ملک: الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ: خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر است و او مقتدر و بسیار آمرزنده است.

۳. آیه شریفه ۱۶۴ سوره مبارکه انعام: قُلْ أَغْنَى اللَّهُ أَنفِي رِزًا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى قُلْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ: بگو: آیا غیر از خدا را به ربوبیت گزینم در صورتی که خدا پرورنده همه موجودات است؟ و هیچ کس چیزی نیندوخت مگر بر خود، و هیچ نفسی بار (گناه) دیگری را بر دوش نگیرد. سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است و او شما را به آنچه خلاف در آن می‌کردید آگاه خواهد ساخت.

و خاندان‌ها بر پای خود ایستاده شوند. پول به اسراف به اخراجاتِ غیر صحیح هم می‌رود ختم می‌شود، اما زر که به زراعت و تجارت یا به کارخانجات می‌آید، ریاست‌های انسان از او قائم می‌شود. اثر آن دیر هم باشد. خوب یاد بگیرید که هر زر که یک مرد بی‌کار را مشغول می‌کند، آن زر باعث می‌شود که مرد و زنش و همهٔ اولاد و آیندگان را در بی‌کاری و بدکاری بدر آرد و بنای مستحکم به غرضِ تعلیم و تربیت قائم می‌کند. پس باید که دولت را مثل نخلِ عاقل داریم و مثل حکیمِ بالغ در معارفِ مفیده و صحیحه خرج دهیم.

تعلیم و تربیتِ اطفال: یک ضرورت به همین دولت و تربیتِ اطفال بلکه تعلیمِ اصناف است و هیچ شک نیست که این شهرِ بزرگ به معارف و تعلیم هم خیلی متوجه است و مکاتیبِ بزرگ و بسیار موجود هستند. خود از اهالی و از اجانب که در خارجِ شهر که تعلیمِ خیلی کم هست یا به خصوص در ایالات هیچ تربیت نیست. بنده واقف هستم که به هیئتِ وزرایِ مجلسِ ملی که در موادِ تعلیمِ عمومی و اجباری محض از بابتِ بحران ساکت هستند و ان‌شاءالله در عرصهٔ سه سالِ تعلیمِ عمومی به حالِ اجباری در ایران شایع خواهد شد و چنانکه بعد از تعلیمِ اجباری سی سال هم نگذشته بود که ملک‌الموت را نشناختن مشکل شده بود و این تعلیمِ کارها کرد که به پست بیسمارک^۱ نتوان کردن. همین طور ایران مرکزِ غیرت و حُبِ وطن و حُبِ اسلام خواهد شد ان‌شاءالله. مشروطه بر اینکه تعلیم بر اساسِ صحیح باشد و احترامِ اسلامی و غیرتِ ملی و حُبِ وطنی را مخصوصاً به اطفال تعلیم بدهند در معاملهٔ اطفال همین‌ها کافی است. خواهشِ بنده این است که یک کتابِ خوب در انگلیسی از تصنیفِ حکیمِ معروف به هربرت اسپنسر نوشته [شده] است و در همهٔ السنهٔ اروپا و آسیا ترجمه شده و معروف است به «یجوشن» در فارسی هم ترجمه بشود^۲. آخویِ معظمِ بنده، آقایِ خواجه غلام‌الحسین که از علمایِ دین هستند و در زبان انگلیسی هم خوب ماهر [هستند]، این کتابِ خیلی دقیق به اردو فصیح ترجمه کرده‌اند. (بقیه دارد).

روزنامهٔ مجلس، سال پنجم، پنج‌شنبه ۶ رمضان المبارک ۱۳۲۹ / ۲۹ اوت ۱۹۱۱، ص ۳.

نطقِ آقایِ خواجه غلام‌الثقلین در دارالفنون - بقیه از شمارهٔ قبل

... که به محنتِ شش ماه او را به آسانی در فارسی که خیلی به اردو مشابه است و سه

۱. Otto Eduard Leopold von Bismarck، ۱۸۱۵-۱۸۹۸ زمامدار دولتِ پروس و نخستین صدراعظم آلمان.

۲. هربرت اسپنسر (Herbert Spencer، ۱۸۲۰-۱۹۰۳) فیلسوف و جامعه‌شناس برجستهٔ انگلیسی. مشهورترین اثرش Education: Intellectual, Moral, And Physical (۱۸۶۱). یکی از کوشش‌های گسترش زبان اردو در هندوستان، تأسیس انجمن ترقی اردو در ۴ ژانویه ۱۹۰۳ بود. در ژوئن ۱۹۰۳ انجمن آگهی داد که هر کس کتابی را ترجمه کرده است، ده صفحهٔ اول را به طور نمونه بفرستد. پنج ترجمه به دفتر انجمن ارسال شد. خواجه غلام‌الحسین - برادر بزرگ غلام‌الثقلین - همین کتاب اسپنسر را به زبان اردو ترجمه کرده بود که با نظر داوران انجمن، بهترین ترجمه برگزیده شد و به‌عنوان نخستین کتاب چاپی انجمن منتشر شد. این کتاب با عنوان فلسفهٔ تعلیم در ۱۹۰۴ از رفاه عام استیم پریس (شهر لاهور) و در ۱۹۲۱ از مطبع انستی تیوت کالج غلیگر، شهر غلیگر، برای دومین بار چاپ شد. (مترجم: غلام‌الحسین، ۱۹۲۱: ۲-۴ دیباچه)

رُبِّعِ الْفَاطِ ذَرْتَرَجْمَةُ حَالِيَه هَم فَارْسِي وَ عَرَبِي هَسْتَنْد، تَرْجَمَه شُود. دِيْگَر اِيْنَكِه بَه اخْلَاق وَ عَادَاتِ اَطْفَالِ خِيْلِي تَوَجَّه لَازِم اَسْت وَ اِيْشَان رَا اَز صَحِيْبِ بَد، مَنَع كَرْدَنْ، اَوَّل فَرِيضَةُ اسْتَادَان وَ مَرْتَبِيَان اَسْت. بَايْد كِه نَصَايِح دَر مَدْرَسَةُ اُخُوْتِ اِيْرَانِيَان كَاظْمِيْن، مَدْرَسَةُ جَعْفَرِيَّة هِنْدِيَه كَرَبَلَا اَطْفَال رَا حَفْظ مِي كَنْنَد^۱. اِيْن هَم هَمِيْشَه اَطْفَال رَا بِيَامُوْزَنْد تَا اَز فَحَاشِي، قَسَم خُوْرْدَنْ، دَرُوغ گُوِيِي پَرهِيْز كَنْنَد بَه حُبِ الْوَطْن، بَه صَفَايِي لِبَاس وَ عَزَّت وَ اَحْتِرَام بَرَزْگَان وَ كَاسْبَان مَشْغُول بَاشَنْد.

روزنامه مجلس، سال پنجم، یکشنبه ۹ رمضان المبارک ۱۳۲۹ / ۳۰ اوت ۱۹۱۱، ص ۲.

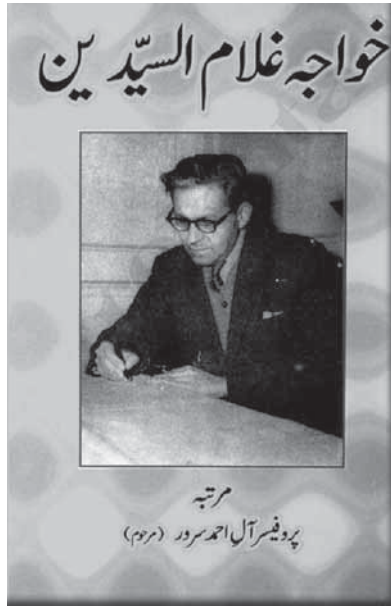
اگر نظر کنیم که برای اتفاق چقدر اسباب دایر هستند، یک متاع امید از نظر می افتند و هو هذا. همه متمسک به یک دین هستند، به یک زبان سخن می گویند، می دانند که عزت و احترام بسته به سلطنت و دولت است، می دانند که این مُلک به این وسعت به هوای خوب و زمین زرخیر و آب خوشگوار، اگر از دست می رود زود حاصل شدنی نیست. می دانند که اگر از نفاق با همین مُلک می رود، این هم خیلی ضعیف می گردد و ملت اثنی عشری هیچ مقام را در عالم دارا نخواهد ماند. (بقیه دارد).

روزنامه مجلس، سال پنجم، دوشنبه ۱۰ رمضان المبارک ۱۳۲۹ / ۴ سپتامبر ۱۹۱۱، ص ۳.

نطق آقاي خواجه غلام الثقلین در دارالفنون - بقیه از شماره قبل

می دانند و باید دانست که این یک دروغ نیست که همه مردم که ترقی ایران را خواهان هستند، اگر در نظم و نسق تقلید ممالک تجربه کار و متمدن و ترقیات می کنند. غرض ایشان اصلاح ایران است، نه که عداوت به دین اسلام. چرا که دین اسلام از انتظام عالم غایب نمی شود. عیاذ بالله باید دانست که ملتی که از هزار به یک طریق رفتار می کرد، بالکلیه ممکن نیست که فوراً همه افراد به طریق دیگر راه رو شوند. لازم است که خیلی از ایشان از این رفتار کاره خواهند شد و این کار هم آخر برادر ایرانی هستند تا وقتی که از ایشان اقدام صریح خلاف قانون نباشد. به طرز احسن با ایشان معاملت و مصالحت باید کرد. معذالک باید دانست که در ایران قدیم در سلف خرابی های گوناگون بود و خون مردم بی گناه و مال مردم همه به ائتلاف می رفت، به دور اکثر مردم راسخ شده است. دگر بار ممکن نیست که از تبدیل نام همه اصلاحات بشود. لهذا هر چه خوب را تأیید بکنند، نه اینکه مُلک را هر روز فشار بحرانات بکنند.

۱. غلام الثقلین در عراق در ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۹ / ۲۵ ژوئن ۱۹۱۱ از مدرسه اخوت ایرانیان و در ۴ رجب ۱۳۲۹ / یکم ژوئیه ۱۹۱۱ از مدرسه جعفریه حائریه هندیه دیدار کرده بود

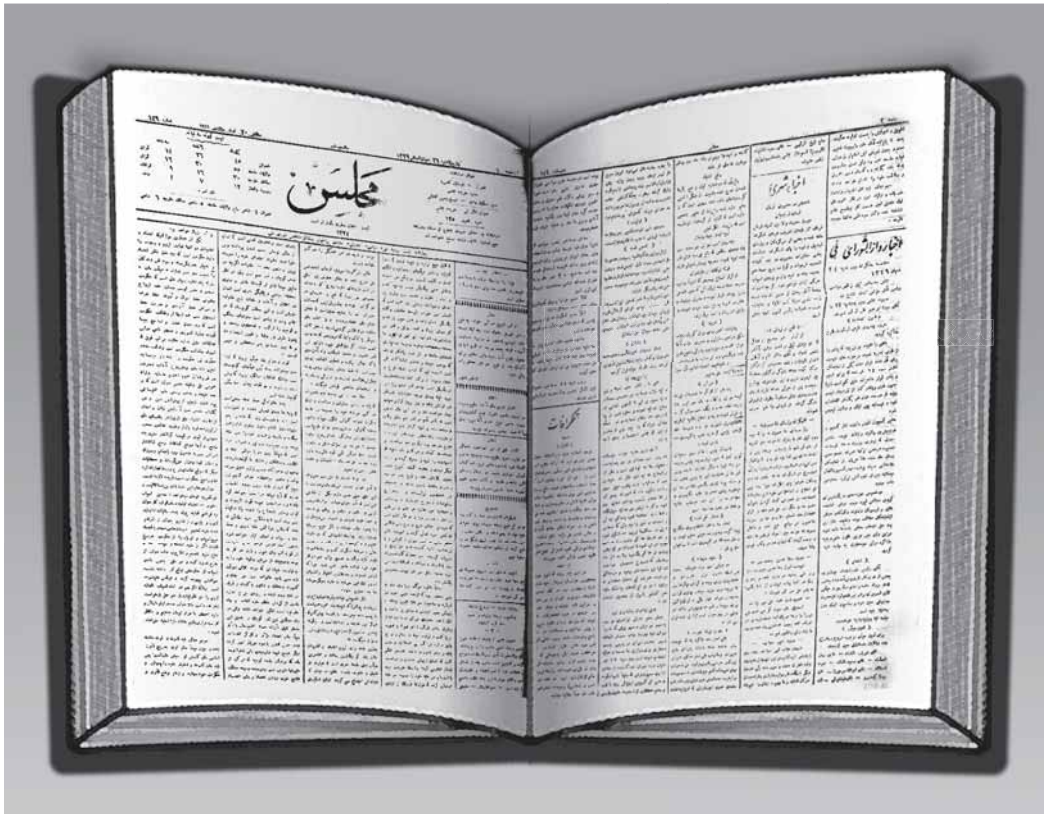


↖ فرزند ارشد غلام الثقلین



↖ دختر غلام الثقلین





سپاسگزاری و قدردانی

همان‌طور که در مقاله آمده است، پس از درگذشت غلام‌الثقلین کتابی با عنوان «تعزیت‌نامه» به زبان اردو منتشر شد. در این کتاب اردو، مقاله‌ای به قلم محمد یحیی تنها (۱۸۶۶-۱۹۶۶ م) نوشته شده است که تنها منبع مبسوط است که زندگی‌نامه مرحوم غلام‌الثقلین را با جزئیات نوشته است. نگارنده این مقاله، مدت‌ها به دنبال پیدا کردن این کتاب نایاب بود. در کتابخانه بسیاری از پژوهشگران برجسته هندوستان و پاکستان هم این کتاب یافت نمی‌شد. تا اینکه کرم فرمایی که قابل‌صداه احترام هستند- جناب محمد زبیر، مدیر کتابخانه بیدل در کراچی- خبر دادند که با دکتر رفاقت علی شاهد- استاد زبان اردو در شهر لاهور- تماس گرفته‌اند و دکتر رفاقت این خوش‌خبری بی‌اندازه را داده‌اند که در کتابخانه شخصی ایشان این کتاب هست. نگارنده فقط از طریق ای-میل از دکتر رفاقت خواهش کرد که این کتاب را مرحمت فرموده ممنون احسان فرمایند. آقای دکتر رفاقت کرمان را دوچندان نموده تمام این کتاب نایاب را اسکن نموده و فرستادند. این کتاب زایوه‌های بسیار مهم دیگری از زندگی مرحوم غلام‌الثقلین را گشود. سپس ویژه در ویژه است از جناب محمد زبیر بی‌اندازه قدردانی به جا می‌آورم که تصویر تمام کتاب نایاب «انجمن وظیفه سادات و مؤمنین» را مرحمت فرمودند. نگارنده در اینجا، از جناب محمد زبیر و دکتر رفاقت علی شاهد بی‌نهایت سپاسگزاری می‌کند. خداوند متعال در همه امورشان آسانی‌ها و گشایش‌ها هموار کند و بر درجانشان همواره بیفزاید. آمین